

فرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلقما

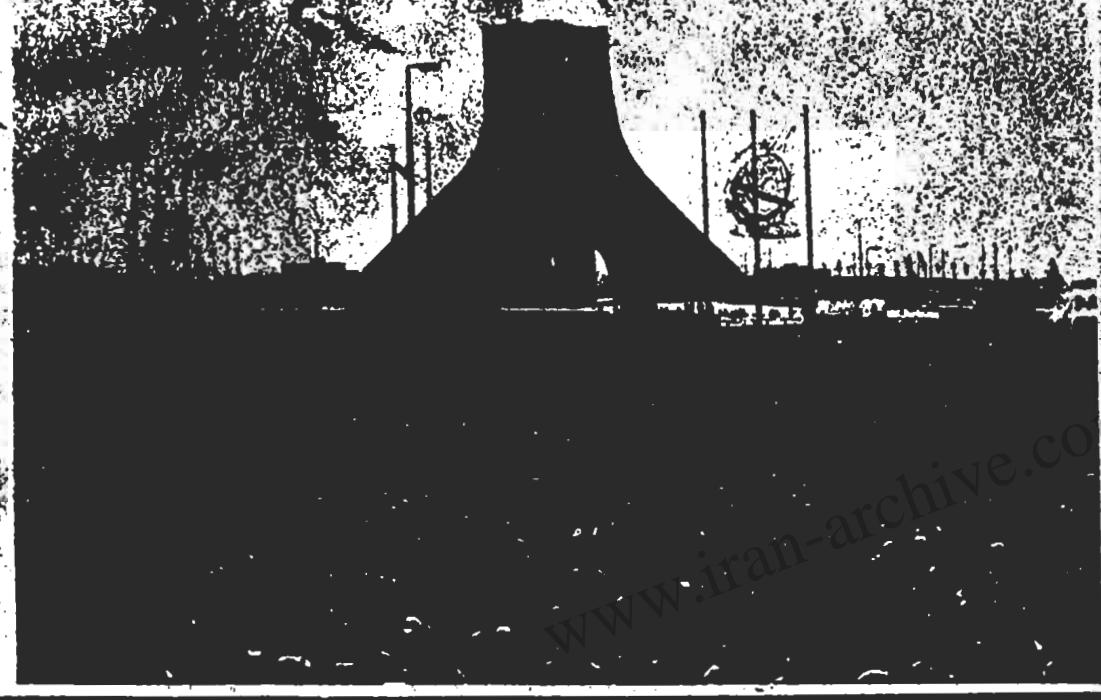
کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

STUDENT LEADER

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۸  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
سال دوم - شماره ۵  
۱۶ صفحه - قیمت ۲ روزی

# دریای جمعیت در میدان آزادی زیر پرچم خونین فدائیان خلق

● انبوه بیسابقه جمعیت  
تجلی شکوهمند گسترش پیوند فدائیان با خلق بود



تکثیر از سازمان دانشجویی ایران

## دو مرحله‌ای کردن انتخابات

حیله جدیدی برای خنثی کردن اختلافات جناحهای حاکم  
و حذف کاندیداهای انقلابی

آگاهی توده‌های مردم در  
مبارزات ضد  
امپریالیستی ماههای اخیر به  
نحو باارزی رشد یافته است  
مردم در جریان مبارزات  
انتخاباتی با شعارها و  
چهره‌های متفاوت و متضاد ی  
بقیه در صفحه ۴

## سورای انقلاب

رو در روی دانشجویان خط امام  
و نیروهای مترقی

در هفته گذشته یکبار دیگر مسئله گروگان‌های امریکائی  
به عنوان ترین مسئله سیاسی در سطح کشور تبدیل شد. از  
نخاکه تحول روابط ایران و امریکا و مسئله گروگان‌ها و حق  
رسم ایران در بازگرداندن شاه و ثروتهای به غارت رفته  
ردم به ایران در راس مسائل سیاسی در سطح کشور و  
عنی جهان است، توجه دائمی به این مسئله و ارزیابی  
دائم مواضع نیروهای مختلف نسبت به آن از مهم ترین  
ظایفی است که برعهده ما قرار دارد  
اکنون دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " سخت مورد  
هاجم قرار گرفته‌اند. مرتجعین طرفدار سازش با امریکا بر  
ر تحویل شاه و عادی شدن روابط بطور کامل در برابر  
انشجویان صف بستند.

مسئله گروگان‌ها وقتی دوباره حاد شد که کمیسیونی که  
ای تحقیق پیرامون جنایات شاه به ایران آمده بود،  
رخواست ملاقات با گروگان‌ها را نمود. دانشجویان  
مسلمان پیرو خط امام " در مقابل اعلام کردند به شرطی  
بسیون می‌تواند با گروگان‌ها ملاقات کند که قبلا نظر  
بود را پیرامون اسنادی که در اختیار وی گذاشته می‌شود  
بلام نماید " سورای انقلاب " می‌گفت اول باید کمیسیون  
گروگان‌ها ملاقات کند بعدا نظر خود را اعلام کند.  
انشجویان این نظر را نپذیرفتند. بقیه در صفحه ۲

## دو ساله شد!

یک سال از انتشار اولین  
ره "کار" می‌گذرد. می‌داد. ۱۹ اسفند سال  
سالگی که هر روزش یک سال  
به بود. یک سال در س  
بقیه در صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

موضوعات:  
ضرورت انتشار نشریه  
اجتماع پرشور مردم پر مغز و صدق  
سندیکا طارا بوجود آوریم اما  
فایده خود را به سندان محدود کنیم  
کمیته مرکزی کمیته مرکزی  
آبایست زیر چتر  
انجمنیات فدائیان گزینت  
در جنبش عاظم حکومت است  
مؤسسه کانون دانشجو

### در این شماره:

روز جهانی زن را گرامی بداریم  
در صفحه ۱۰

بنی صدر عالمین ترور تو ماچ و هم‌زمان را می‌شناسد  
در صفحه ۱۲

پیروزی خلق زیمبابوه  
در صفحه ۱۲

درباره طرح طبقه بندی مشاغل  
در صفحه ۲۰

سخنان نمایندگان سازمان در کنفرانس مطبوعاتی ۱۳ اسفند  
در صفحه ۱۱

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم









# درباره طرح طبقه بندی مشاغل

از آنجاکه طرح طبقه بندی مشاغل از طرف وزارت کار در دست تهیه است و منبای تنظیم این طرح نیز طرح صد کارگری سال ۵۲ می باشد و از طرفی این طرح در شرایطی تنظیم می شود که کارگران، که در این خصوص بیش از همه دینتعداد کم و کیف آن اطلاع درستی ندارند و مهمتر از آن این که، مایلند

فراز دارد و سرمایه دار ناگزیر است به جای توسل به این عوامل اجتماعی اینجناد تبعیض در کارگران به عوامل تکنیکی کار ( مهارت فنی، تجربه و تخصص...) که گروه های مختلف کارگران را از هم متمایز می کند، متوسل

**هدف طبقه بندی مشاغل این است که: اولاً از نظر اقتصادی بتواند به نحوی تقسیم کار را کنترل نماید که بیشترین سود از این نوع طبقه بندی عایدش می شود.**

شود. طرح طبقه بندی تدوین شده به وسیله سرمایه داران، در دوران جدید از این لحاظ عمدتاً بر مبنای تفاوت استعدادها و قابلیت تکنیکی کار و میزان سوددهی ناشی از آن است. و از آنجا که کارگران با چه دیدی به طبقه بندی مشاغل می نگرند؟ کارگران در مراحل ابتدایی مبارزاتشان هنوز این طبقه بندی را طبقه بندی درون کارگران می بینند و منافع اقتصادی و اجتماعی را در درون طبقه خود مورد چون و چرا قرار نمی دهند. نه بین طبقه خود و طبقه سرمایه دار. اگر ارزش کل تولید شده توسط کارگران را ارزش لازم و ارزش اضافی تقسیم کنیم، کارگران در مراحل اولیه مبارزاتشان فکری کنند که تقسیم عادلانه ارزش لازم وضع آنها را بهبود بخشیده و آنها را از فقر و بکثرت رهایی خواهد

ندادند که این طرح چگونه طراحی است و آیا منافع آنها را تامین می کند یا نه. لازم می دانیم در این باره مطالبی را روشن نمائیم. طرح طبقه بندی مشاغل را قبل از هر چیز باید از دیدگاه (طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار) مشخص کرد. هدف طبقه بندی سرمایه داران طبقه بندی مشاغل این است که اولاً از نظر اقتصادی بتواند به نحوی تقسیم کار را کنترل نماید که بیشترین سود از این نوع طبقه بندی عایدش شود. (که ما چگونه این حوه سود ببری را در این مقاله توضیح خواهیم داد) ثانیاً از نظر سیاسی، سرمایه دار سعی دارد طبقه بندی مشاغل را بطوری نماید که انگار طبقه کارگر بود لزوماً به طبقات غاوسی یا منافی متمایز از م تقسیم می شود. سرمایه دار ر شرایین نا آگاهی کارگران

**و ثانیاً از نظر سیاسی چنین وانمود کند که انگار طبقه کارگر خود لزوماً به طبقات متفاوتی با منافع متمایز از هم منقسم می شود.**

بخشید. در صورتی که می دانیم که عامل اصلی فقر و تنگدستی کارگران از این مناسبت ناشی می شود که سهم مهمی از ارزش تولید شده توسط کارگران به شکل ارزش اضافی و سود به وسیله سرمایه داران به یغما برده می شود. کارگران در چنین وضعیتی هنوز مشغول به خود و در کشمکش با خود هستند، ولی

توانند این بهره گیری از یادمان زدن به تلافی بدهی، قومی ملی، آزادی و مابقی بیست گران مختلف بنمایند. هر چه مبارزه اجتماعی گران ارتقاء می یابند گران آگاهانه تر در می یابند به طبقه اجتماعی واحدی ندارند که برای منافع نظران و محدود قومی، بی آزادی و بیاجتی ملی

بودند که بر مبنای آن حقوق یک تراشکار، مکانیک یا جوشکار در همه کارخانجات یکسان باشد. تا کارگران موظف باشند که در یکجا بمانند و کار کنند. سرمایه داران به ضوابطی احتیاج داشتند که بر عرضه نیروی کار کنترل شان را اعمال کند. از طرفی کارگران نیز خواستار آن بودند که ارزش نیروی کارشان با معیارهای مشخصی سنجیده شود و هر

در اثر رشد آگاهی و سطح مبارزاتی شان به تدریج در می یابند که همه کارگران منافع اجتماعی و طبقاتی واحدی دارند و باید عدالت اجتماعی طی مبارزه طبقاتی با طبقه سرمایه دار تحقق یابد. صرف نظر از جنبه اجتماعی و طبقاتی این دودیدگاه آنچه که بطور مشخص در رابطه با طرح طبقه بندی مشاغل مینا و ملاک قرار می گیرد، جنبه تکنیکی کار ( مهارت، تجربه و...) و تفاوت قابلیت های کارگران در کار است. ما جوانب مختلف این مسئله را در چهار چوب ضوابطی که قوانین سرمایه داری طرح می کنند و طرح و تطبیق آن با شرایط ایران را مورد بررسی قرار می دهیم.

**عامل اصلی فقر و تنگدستی کارگران در این است که سهم مهمی از ارزش تولید شده توسط کارگران، به شکل ارزش اضافی و سود به وسیله سرمایه داران به یغما برده می شود.**

از اواخر سال های ۴۰ کارخانجات مونتاژ همچون فارچ روئیدند، کارخانجات جدید التاسیس که با کمبود کارگر ماهر در جامعه مواجه شدند برای جذب کارگران ماهر کارخانجات قدیمی حقوق و امتیازات و شرایط بهتری برای کارگران فراهم می کردند تا از این طریق کارگران ماهر را جذب کنند. سیاست اقتصادی دولت گذشته که در جهت تشدید وابستگی و غارت کشور بود موجب شد که پروژه های برزق و برق و ژاندرادر کشور توسعه دهد. پروژه های اتمی که باعث جذب میلیارد ها ثروت مملکت و جذب ماهرترین کارگران و کارشناسان شد خود به برهم زدن رابطه عرضه و تقاضا در بازار کار منجر شد. برنامه ها و سیاست های اقتصادی رژیم گذشته نه بر اساس نیازهای جامعه بلکه بر مبنای رفیع نیازهای ممالک امپریالیستی و در جهت به تاخیر انداختن بحران های امپریالیستی قرار داشت. چنین هرج و مرجی در بازار کار سبب شد که رقابت های بین سرمایه داران برای جذب نیروی انسانی ماهر تشدید شود که خود سبب افزایش دستمزدها می گردید. سرمایه داران برای جلوگیری از این وضعیت که به نفع آنها بود در صدد ایجاد ضابطه های بودید که رقابت بین آنها نفع کارگران تمام نبود. آنها خواهان ضوابطی

مال به واسطه افزایش مهارت و تجربه شان، ارزش کارشان مورد تجدید نظر قرار گیرد و علاوه بر آن حق کسبی ها و استثنائات موجود بین کارگران از بین رفته و ارزش کار افراد بر حسب مقدار کار و نوع کارشان مورد ارزیابی قرار گیرد. کارگران نیز به نوبه خود می خواستند که آینده شغلی و درآمد خود را از پیش ترسیم نمایند و بدانند که ترقی شغلی و درآمدشان چه وضعیت شغلی خواهد داشت.

بدین ترتیب در سال ۵۲ یک موسسه هلندی میلیونها دلار گرفت تا طرح طبقه بندی مشاغل را در ایران تهیه و تنظیم کند. ساختمان کلی طرحی که در این سال ارائه شد و به وسیله دولت به تصویب رسید به فرار زیر بود. بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل لازم بود که کلیه مشاغل موجود در کارگاه ها بر حسب نوع کار، پیچیدگی کار، دقت، سختی کار و مهارت های لازم برای انجام آن و معیارهایی از این قبیل سنجیده شود و مشاغلی که در مجموع امتیازات خود در یک رده قرار می گیرند، در جدول طبقه بندی از گروه ها و پایه های یکسان برخوردار باشند و سپس دستمزدها بر حسب نوع شغل و درجه شخصی افراد از این جدول

تعیین گردد و سالانه نسبت به مهارت های آن تجدید نظر به عمل آید. طرح کلی جدول به صورت زیر است: بطور مثال ممکن است شغل پرکاری و جوشکاری در گروه ۴ قرار گیرد و منباز کاری و رنگ بافی در گروه ۳ و بطوری که گروه های پایینتری متعلق به مشاغل ساده تر و گروه های بالاتر متعلق به مشاغل پیچیده تر است. در هر گروه هم پایه های مختلف قرار می گیرد که دستمزدها به نسبتی مشخص از پایه قبلی و بعدی خود فاصله دارد. بطوری که پایه های بالاتر متعلق به دستمزدهای بالاتر است.

این جدول یکبار تنظیم می گردد و چون دستمزدها به گروه ۱ هر سال توسط وزارت کار تعیین می شود، لذا اعداد دیگر جدول هم با حفظ نسبت های قبلی، اعلام داد جدیدی را تشکیل می دهند که این اختلال مربوط به تعدیل هزینه زندگی می گردد. در جدول اعداد مشابه در گروه های مختلف وجود دارند بدین صورت که مثلاً دستمزدها گروه ۴ پایه ۵ ممکن است با دستمزدها گروه ۳ پایه ۳ برابر باشد. بطوری که کوچکترین عدد جدول مربوط به گروه ۱ پایه ۱ و بزرگترین عدد مربوط به بالاترین گروه و بالاترین پایه می باشد. بطور معمول نسبت هر عددی با عدد ماقبل خود ۴-۲ درصد می باشد.

طبق طرح در صورتی که مهارت و تخصص و کارائی کارگری تغییر نکند و در یک شرایط عادی به کار برسد هر چه گروه و پایه شغلی او عوض نمی شود و تغییر در دستمزدها سالانه فقط مربوط به تعدیل هزینه زندگی می گردد. در صورتی که مهارت های کارگری ارتقاء یافته باشد ممکن است یک پایه یا دو پایه و حداکثر سه پایه به دستمزدها اضافه شود یعنی حدوداً ۱۲ تا حداکثر ۱۶ درصد دستمزدها.

در شماره آینده چگونگی پیاده شدن این طرح در کارگاه ها اشکالات اساسی این طرح در وضعیت قبلی و وظیفه کارگران رزمنده و آگاه را در این خصوص توضیح خواهیم داد.



# دو مرحله‌ای کردن انتخابات...

بقیماز صفحه ۱

زحمتکشان استفاده کنند. اکنون هر لحظه که می‌گذرد توده‌های عظیم تتری از زحمتکشان و روشنفکران از "حزب جمهوری اسلامی" و امثالهم کنده می‌شوند و به سوی نیروهای انقلابی روی می‌آورند، نیروهای سازشکار به شدت تضعیف شده‌اند. در عوض نیروهای انقلابی رشد

وحشت مرگ به سر برند، آنها "حق" دارند، برای جلوگیری از ورود نمایندگان واقعی مردم و تبدیل مجلس به سنگرمداغ سرمایه داری، علیه اراده مردم بسیج شوند و از همه قدرت و موقعیت قانونی و غیرقانونی خود، علیه نیروهای مترقی و علیه منافع طبقه کارگر و همبند

که منافع طبقات و اقشار مختلف را بیان می‌کنند، بیش از پیش آشنا شده‌اند و اینک آگامتر از گذشته در انتخابات مجلس شرکت می‌کنند. لیبرال‌ها و تاریک‌اندیشان که جبهه مدافعان سرمایه داری را تشکیل می‌دهند "حق" دارند از رشد عظیم توده‌ها و صف بندی جدید نیروها در

عظیمی کرده‌اند، صف‌ها به سرعت از هم متمایز می‌شوند. در چنین شرایطی است که انتخابات مجلس شورا برگزار می‌شود. دو مرحله‌ای کردن انتخابات حذف کاندیداهای سازمان‌ها در برخی از شهرها متوقف ساختن انتخابات مجلس در سنج، تلاش در جهت لغو انتخابات در سراسر کردستان، جاکم ساختن جو ترور و اختناق در ترکمن صحرا، همگی نشانه هراس بی حد و حصر "شورای انقلاب" و سایر مقامات رسمی حکومت از رشد فزاینده آگاهی سیاسی توده‌ها و از ورود نمایندگان مؤرد حمایت مردم به مجلس شورای ملی است. چرا "شورای انقلاب" طرح دو مرحله‌ای کردن انتخابات را که حتی با قانون اساسی نیز مغایر است، به تصویب رسانده است؟ پاسخ به این سؤال روشن

مطابق همان روال عادی برگزار می‌گردد. نتیجه انتخابات را از هم اکنون می‌توان حدس زد. انتخابات نشان خواهند داد که تعادل نیروها نسبت به مقطع مجلس خبرگان تفاوت آشکار کرده‌است. نیروهای پیشرو و سازمان‌های انقلابی به نحو قابل ملاحظه‌ای ملاحظه‌ای ترکیب سابق را به سود خود تغییر داده‌اند این بار میلیون‌ها رای به سود کاندیداهای مترقی و انقلابی به صندوق‌ها ریخته خواهد شد اما با دو مرحله‌ای کردن انتخابات و دیگر محدودیت‌هایی که وجود دارد، نیروهای انقلابی به نسبت آرائی که به سود آنها به صندوق‌ها ریخته می‌شود، در مجلس نماینده نخواهند داشت و حال آنکه مدافعان طرح دو مرحله‌ای قطعاً بیش از نسبت آرائی که به سود آنها به

انتخابات نشان خواهد داد که تعادل نیروها نسبت به مقطع مجلس خبرگان تفاوت آشکار کرده‌است این بار میلیون‌ها رای به سود کاندیداهای مترقی و انقلابی به صندوق‌ها ریخته خواهد شد!

صندوق‌ها ریخته می‌شود، به مجلس نماینده خواهند فرستاد و پرواضح است که چنین مجلسی در غیاب نیروهای انقلابی و پیشرو نخواهد توانست از اعتماد مردم برخوردار باشد. چنین مجلسی را مردم از آن خود نخواهند دانست.

است. اگر نیروهای انقلابی تا به این حد از حمایت وسیع توده‌های میلیونی مردم برخوردار نبودند. حکومت طرح دو مرحله‌ای کردن انتخابات را اختراع نمی‌کرد و هیچ بهانه و مانع دیگری نیز بر سر راه کاندیداهای ما نمی‌تراشید و انتخابات را

## آیا شورای کارخانه ری. او. واگ نماینده کارگران است یا کمیته دیو؟!

این شورا با اتکا به نفوذ کمیته دیو آنچنان محیط اربابی در کارخانه ایجاد کرده‌است که اعتراض هر کارگری را با تهدید به اخراج پاسخ می‌دهد. شورا که از آگاهی و اعتراض روزافزون کارگران در هراس بود، برای جلوگیری از به اصطلاح اختلال در کارخانه، بازده نفوذ از کارگران آگاه و مبارز را اخراج کرد. به دنبال این اخراج با وجود اینکه اکثریت کارگران کارخانه خواهان بازگشت کارگران اخراجی هستند، هنوز شورا به یوغانی می‌کوشد تا با جمع کردن امضاء و نامزد کند که این خود کارگران هستند که خواهان اخراج بازده نفر بودند، نه شورای فرمایشی کارخانه.

شورای کارخانه "ری. او. واگ" که در واقع زیر نظر مستقیم "برگانی" رئیس کمیته دیو اداره می‌شود، از زمان تشکیل تا کنون گامی در جهت منافع کارگران برنداشته و به دفعات ماهیت سازشکارانه و ضد کارگری خود را نشان داده‌است. این بار نیز شورا در رابطه با مسئله سود ویژه سعی داشت با پراکت کردن شایعات دروغ، سود واقعی کارخانه را از کارگران پنهان نگهدارد و حاضر نبود که مقدار سود را با حضور کارگران محاسبه نماید و اینطوری وانمود می‌کرد که کارخانه کمتر از سال قبل سود داشته و تنها به خاطر خیز خواهی است که ده درصد بیش از سال قبل به کارگران سود می‌پردازد

## آیت الله کنی علیه دهقانان فیروزکوه و به نفع امیری فیروزکوهی زمین دار بزرگ حکم صادر می‌کند

هرگونه مذاکره‌ای پیشنهاد کردند و از خود پاسداران دعوت کردند که ناهار را در مسجد با آنان بخورند. پاسداران زارعین را با زور به منزل امیری کشاندند و با تهدید خواستند که زارعین را مجبور کنند به رای کذایی دادگاه فیروزکوه که قبلاً صادر شده بود، گردن نهند. مقاومت دهقانان در مقابل حکم دادگاه سبب شد که پاسداران ۷ تن از آنها را به زندان تهران اعزام دارند و با ایجاد محیط ارباب در منطقه کوشیدند دهقانان را از اجرای حکم دادگاه وادار کنند. دهقانان فیروزکوه، علی‌رغم فشارها، همچنان بر سر پیمان خود ایستاده‌اند و مطالبات خود را برحق می‌دانند. آنها مصمم‌اند که به مبارزات خود برای تحقق شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" ادامه دهند.

کرده و به کاشت مشغولند! دادگاه با میداننداری حاج عباس طاهری (داماد نصیری مدوم) و با حمایت بی دریغ آیت الله کنی و پسرش، حکم به گرفتن زمین‌ها از دهقانان و سپردن آن به مالک شرعی، یعنی امیری فیروزکوهی می‌دهد. دهقانان حکم دادگاه را حکم بیادگاه خوانده و آنرا ضد دهقانان نامیدند و حاضر به پذیرفتن حکم دادگاه نشدند. همکاری آیت الله کنی و پسرش با امیری فیروزکوهی سبب بسیج پاسداران برای سرکوب کشاورزان به منطقه شدند. پاسداران یکی از کشاورزان را در حین کار دستگیر و به زرین دشت بردند. بقیه زارعین که در مسجد نشسته بودند توسط پاسداران محاصره شدند و از آنان خواسته شد که دستجمعی به منزل امیری فیروزکوهی بیایند. زارعین مسجد را برای

زرین دشت یکی از دهان فیروزکوه است. کشاورزان این منطقه که غالباً بی زمین‌اند، تصمیم می‌گیرند ۱۰۰۰۰ هکتار از زمین‌های با بری را که امیری فیروزکوهی، شاعر معروف دوره شاه و دوست نزدیک نصیری مدوم، به اصطلاح مالک آن شناخته می‌شود، در اختیار خود گیرند و به زیر کشت برند. امیری فیروزکوهی علاوه بر این زمین‌ها، مالک درخت‌زارهای وسیعی در این منطقه است و در برابر آن انبوهی از دهقانان فقیر و بی زمین وجود دارند که روز به روز بیشتر زیر بار گرانی و فشار معیشت خرد می‌شوند. دهقانان تصمیم خود را به اجرا می‌گذارند و متعاقب آن امیری فیروزکوهی به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت می‌برد و اعلام می‌کند: "دهقانان بی زمین، زمین‌های مرا که مالک شرعی آن هستم مصادره

مرگ بر امریکا - مرگ بر سازشکار شورای انقلاب با امریکا سازش کرده است و می‌خواهد جاسوس‌های امریکائی را آزاد کند، اجازه ندهید این سازشکاران جاسوسان امریکائی را آزاد کنند. امپریالیسم امریکا باید شاه جنایتکار و تمام ثروت‌های غارت شده مردم ما را به مردم ما پس بدهد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳۵۸

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



### دادستانی پذیرفت نمایندگان کارگران در رسیدگی به دارائی های خسروشاهی

#### نظارت داشته باشند

و خارج از کشور (خسودداری نمایند ...)

۴- دادستانی کل سرپا نسبت به تعیین مدیران و اداره امور شرکت های گروه صنعتی مینو اقدامات عاجل به عمل آورد.

این طرح تا روز ۶ اسفند معوق می ماند. در این روز نماینده دادستان دوباره برای مذاکره با کارگران به کارخانه می آید.

در خانه صحبت ها یک موافقت نامه ۱۲ ماده ای علاوه بر قرارداد ۴ ماده ای روز سه شنبه می شود. در این متمم خسروشاهی ملزم به امضاء یک سفید گردید ولی این یک به نام دادستانی انقلاب اسلامی می باشد و اگر از این پس در پرداخت عیدی و سود ویژه کارگران تاخیر و یا خلی پیش آید، مسئول دادستانی خواهد بود. ضمناً نمایندگان دادستانی متعهد شدند که در رابطه با مبارزه اخیر هیچ یک از کارگران اخراج، دستگیر و بازداشت نشوند. هم چنین نمایندگان دادستانی قبول کردند که در رسیدگی به اموال و دارائی های خسروشاهی، نمایندگان کارگران شرکت و نظارت داشته باشند.

به دنبال گروهان گسری خسروشاهی سرمایه دار معروف توسط کارگران مبارز کارخانه مینو که شرح آن در "کار" ۴۸ آمد، نماینده دادستانی برای مذاکره با کارگران در روز ۱۲ اسفند به کارخانه می آید. بعد از بحث های طولانی طرح ریز تهیه و فرار می شود پس از توافق کارگران و خسروشاهی این طرح به اجرا گذاشته شود: ۱- آقایان خسروشاهی ها قبول و تعهد نمودند که در مورد مسائل مربوط به خود و خانواده هایشان و کلیه دارائی های منعلقه و همچنین حق الامتيازها در گروه صنعتی مینو، تسلیم بطریبات دادستانی کل بوده و حکمیت دادستانی را به هرنحو که دادستانی حکم کند، کاملاً قبول کنند.

۲- خواسته های کارکنان در مورد سود ویژه سال های ۵۷ و ۵۸ و هم چنین عیدی پال ۵۸ مورد بررسی دقیق تر فرار گرفته و در مورد پرداخت سود ویژه بر مبنای حداقل سالی ۴ ماه متوسط آخرین حقوق و عیدی معادل یک ماه، توافق به عمل آید و حتی المقدور پرداخت آن سریعاً انجام شود. ۳- آقایان خسروشاهی ها تعهد نمودند که از هرگونه دخالت و کارشکنی در کلیه امور گروه صنعتی مینو (اعم از داخل

### کارگران کشتارگاه خواهان تشکیل شورا هستند

بسیاری از اینگونه اجحافات که به وسیله مسئولین اعمال می شد، طی ماههای اخیر، کارگران مبارز و آگاه را بر آن داشت تا به مقابله با چنین مدیران سرسپرده ای برخیزند. کارگران طی اجتماعی در روز ۶ اسفند ۵۸ خواستار اخراج "زرین خامه"، رئیس حسابداری کشتارگاه شدند که با مقاومت مقامات مسئول مواجه شد ولی پیگیری واتحاد کارگران، "زرین خامه" را وادار به استعفا کرد.

در این اجتماع کارگران خواستار تشکیل شورای کشتارگاه شدند.

در روزهای پس از قیام آقای "زرین خامه" به کارگران کشتارگاه معرفی شد، با تاکید بر این مسئله که ایشان تنها به خاطر انقلاب و به صورت رایگان کاری کنند و هیچگونه حقوقی نیز دریافت نخواهند کرد و پس از مدتی به "مدیر عامل انقلابی" ابلاغ شد که صد ها هزار تومان ماهانه تفاوت و هفت هزار تومان حقوق خود را علاوه بر حقوق بازنشستگی این را دریافت کند. در مقابل، به منظور کمک به انقلاب، ۲۰۰ هزار تومان پول لباس کارگران و همچنین حق اضافه کاریشان حذف می شود. این نمونه و نمونه های

# کار

## چرا حقوق و مزایای این کارگران را پرداخت نمی کنید

نامه ریز از طرف گروهی از کارگران چاپ پرچم به روزنامه کار ارسال شده است. آنچنانکه نوشته اند از اول انقلاب تا ۲۲ بهمن ۵۸ حقوق و مزایای قانونی این کارگران علیرغم مراجعت مکررشان پرداخت نشده است و همواره با بی توجهی مقامات و دستگاه های دولتی روبرو بوده اند.

سازمان ما وظیفه خود و همه نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر می داند که از خواست کارگران و زحمتکشان دفاع کرده و در جهت تحقق خواسته های آنان پیگیرانه تلاش کند.



## کالاهای انبارهای گمرک

### به مردم ایران تعلق دارد

مقدس می شمرد، و "شورای انقلاب" مدافع منافع طبقه سرمایه دار ایران است. باید همچنان در انبارهای گمرک با پول مردم محافظت شود و از هرگونه "تعرض" مصون بماند.

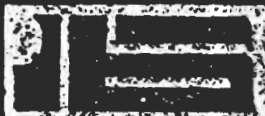
هزاران کارگر و زحمتکش ایرانی با خانواده خود، روزها و شبها کرسنه سر بر بالین می گذارند چون "شورای انقلاب" به سرمایه داران فزاری قول و اطمینان داده است که با خیال آسوده به "وطن" بازگردند و بساط غارتگری خود را بگسترانند. چون "شورای انقلاب" خود را موظف می شناسد که از منافع آنان دفاع و پاسداری کند. چه کسانی مدافع مردم و "مستضعفین" هستند: از بازرگانان، بهشتی ها، یزدی ها، قطب زاده ها، چمران ها، رفسنجانی ها، خامنه ای ها، پیرسید، می گویند "شورای انقلاب" که ما اعضای آن هستیم! یک قلم از ثروت هایی که در انبارهای گمرک خوابیده است که قیمت آنها در حدود ۷۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تومان است. یکی از صدها ماشین دار و دسته خاندان پهلوی که در گمرک وجود دارد متعلق به اشرف است که

بازار از کالا خالیست. اما انبارهای گمرک، کورستان کالاهای مصرفی شده است. صدها صندوق دارو پسر روغن و مواد غذائی در انبارهای گمرک فاسد شده اند. (کیهان یکشنبه ۱۹ اسفند ۵۸)

صدها صندوق دارو، پیر، روغن و مواد غذائی در انبارهای گمرک فاسد شده اند و این در حالیکه هر روز صفت خریداران مواد غذائی طویلتر می شود. میلیونها زحمتکش ایرانی به دارو نیاز دارند و هزاران تن از آنان در خطر مرگند. گرسنگی هر روز دامن زحمتکشان بیشتری را می گیرد و کمبود مواد غذائی باعث بالا رفتن هرچه بیشتر قیمت کالاها می شود تا حیب سرمایه داران ریز و درشت به قیمت افلاک کارگران و زحمتکشان هر روز پرتو از روز دیگر باشد. این سیاست چه کسانی است؟ چرا میلیارد ها ثروتی که به مردم باید تعلق داشته باشد، در انبارها می پوسد؟ چه منطقی حکم کرده است که سیل زدهگان خورستان و زلزله زدگان خراسان بدون دارو بمانند ولی صدها صندوق دارو فلان سرمایه دار و تاجر ایرانی برای اینکه "قانون اساسی" مجلس خیرگهان، "مالکیت" آنها را مشروع و







# مادر انتخابات باید از کدام کاندیدها حمایت کنیم؟

در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته‌ایم. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در انتخابات مطرح است، اعلام حمایت سازمان‌های سیاسی مختلف از کاندیدهای سایر جریان‌هاست. در این میان ما کمونیست‌ها موظفیم آن معیارها و اصولی را که دیدگاه ایدئولوژیک ما آن را تصدیق می‌کند، به نحو صریح و روشن تدوین کنیم و انتشار دهیم. تجربه مجلس خبرگان به ما آموخت که هر نوع عدم صراحت و ابهام‌گویی در اعلام حمایت از کاندیدهای سایر جریان‌های سیاسی فقط و فقط باعث سردرگمی مردم خواهد شد.

ما در این مقاله خواهیم گویند معیارها و ضوابط خود را در زمینه پشتیبانی با عدم پشتیبانی از هر یک از جریان‌های سیاسی در انتخابات مشخص سازیم. ما قبل از هر چیز معتقدیم که مسئله حمایت وقتی می‌تواند جنبه جدی و عملاً موثر به خود بگیرد و در وضعیت تعادل نیروها موثر واقع شود که کاندیدها از حمایت توده‌های معین و مشخص برخوردار باشند چرا که کاندیداتی که فاقد پایگاه

توده‌ای است، شرکت وی در انتخابات که یک مبارزه و عمل توده‌ای است، هیچ تاثیر مشخصی در سطح جنبش کمونیست امپریالیستی - دمکراتیک خلق به جا نخواهد گذاشت و در تنظیم روابط بین نیروهای توده‌ای و سمت و سوی آنان در جهات معین و در رابطه با اهداف مرحله‌ای و استراتژیک نمی‌تواند موثر افتد.

اولین مسئله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که کاندیدهای مورد نظر چه سهمی و چه نقشی در شرایط فعلی در تعادل نیروها در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق ایفا می‌کنند و آیا اساساً حمایت از این یا آن کاندید می‌تواند تاثیر جدی در رسیدن به اهداف خود به جای گذارد، یا خیر؟

در این میان کاندیدهای جریان‌های مختلف به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- خط ۲ و ۳ و نیروی هیچکدام را نداشته‌اند. ۲- کاندیدهای میانی هستند که بر مبنای آن و به انگیزه آن بتوانند مسئله ضرورت حمایت از کاندیدهای آنها را برای دیت یافتن به خود هدی قوی مورد ارزیابی قرار داده، حمایت و یا عدم حمایت از آنها عملاً در سطح جنبش توده‌ای و به ویژه در جریان مبارزه انتخاباتی جاری و تعادل نیروها هیچ‌گونه تاثیر عملی و مشخصی نخواهد گذاشت.

بنابراین پشتیبانی از این نیروها نمی‌تواند از لحاظ تاثیرگذاری روی جریان انتخابات و نتایج آن مطرح باشد. مبارزه پارلمانی به‌ویژه است این صف مردم و دشمنان مردم همانطور که همیشه در این مبارزه توده مردم شرکت دارند.

شرکت کاندیدهای میانی در مبارزه توده‌ای در میان توده‌ها ندارند در توازن نیروها در واقعیت مبارزه طبقات و سیر مبارزه پارلمانی تاثیرات معین و مشخص به جای نمی‌گذارد. مبارزه واقعی میان کاندیدهای جریان خواهد یافت که در نهایت توده مردم آگاهانه یا ناآگاهانه به آنان رای دهند (فرقی بر این است که از تاثیرات تقلبات رایج انتخابات بورژوازی، چشم‌پوشی شده‌اند). البته در این میان در شرایط

دمکراتیک هم در پیماهی موارد اقل و سهمی از توده‌های مردم تحت تاثیر تبلیغات عوام‌پسندان قرار می‌گیرند و به دنبال اجزایی به راه می‌افتند که علیه منافع آنان و به سبب سود سرمایه‌دوران و ممالک سرمایه‌دوران تاریخی و طبقاتی آنها عمل می‌کنند. در برخی موارد هم (بعدها پس از کسب آگاهی تاریخی و طبقاتی) مردم به نمایندگان واقعی خود رای می‌دهند.

با این حساب چنانچه مبارزه عینی و مادی طبقات رادر نظر بگیریم، آنچه حائز اهمیت است، موضع سازمان‌ها و نیروها در قبال کاندیدهایی است که از حمایت توده‌های معین برخوردار باشند.

و اما از نقطه نظر مصالح و منافع جنبش کمونیستی ایران باید دید که حمایت با عدم حمایت از کدام کاندیدها بیش از همه به رشد و گسترش جنبش کمونیستی ایران منجر خواهد شد؟ در این رابطه مسئله وحدت جنبش کمونیستی و مبارزه با اپورتونیزم و صف‌های سیاسی آن و هم چنین گسترش پیوسته با طبقه کارگر و کسب به پیوسته و شکل آن می‌تواند مطرح باشد. بر واضح است که حمایت از کاندیدهای غیر وابسته به جنبش کمونیستی ایران در این مورد زمینه مستعدی برای گسترش تاثیر عمل آنها (بازار اعلام حمایت و با عدم حمایت از آنان) بیشتر به وحدت و صمیمیت نیروها در سطح جنبش خلق و روابط متقابل آنها بر می‌گردد. حمایت از سایر نیروهای غیر مارکسیست قبل از هر چیز در رابطه با فراهم آوردن زمینه‌های تشکیل جنبه مطرح می‌شود و نه زمینه‌های عینی و ذهنی تشکیل حزب طبقه کارگر.

پس چنانچه کاندیدهای مدعی مارکسیسم پایگاه توده‌ای نداشته‌اند، در زمینه گسترش جنبش‌های وحدت عمل نیروهای مختلفه جنبه خلق جنبش کمونیستی مسئله حمایت با عدم حمایت از آنها عملاً بازمی‌گردد به تاثیراتی که حمایت از آن کاندیدها می‌تواند روی پیوسته تشکیل حزب طبقه کارگر و امر وحدت در جنبش کمونیستی ایران بر جای گذارد.

حمایت از سایر جریان‌های درون جنبش کمونیستی از چه نظر می‌تواند برای ما حائز اهمیت باشد؟ هرگاه این حمایت نتواند جنبش انقلابی خلق را در برابر خرده‌بورژوازی واپس‌گرا و جریان‌های بورژوازی و امپریالیستی تقویت نماید، هرگاه این حمایت نتواند به پروسه وحدت در جنبش کمونیستی و پیوند با طبقه کارگر یاری رساند. وقتی این حمایت پروسه تشکیل حزب را از طریق رشد جریان‌های دارای گرایش‌های انحرافی درون جنبش کمونیستی به بیراهه گشاند و

مسئله حمایت وقتی می‌تواند جنبه جدی و عملاً موثر به خود بگیرد و در وضعیت تعادل نیروها موثر واقع شود که کاندیدها از حمایت توده‌های معین و مشخص برخوردار باشند:

جز آنچه شمریم هیچ تاثیر دیگر هم به بار نیاورد وقتی این حمایت یک موقعیت کاذب برای نیروهایی که در حال حاضر بر خلاف وحدت جنبش خلق و جنبش کمونیستی گام برمی‌دارند فراهم آورد، هرگاه این حمایت به دلیل سیاست‌های غلبه آن جریان‌های انحرافی به وحدت عمل سایر نیروهای ضد امپریالیست با انقلابیون کمونیست آسیب رساند، طبقاً این سوال مطرح خواهد شد که پس این حمایت برای چیست؟ در اینجا ممکن است بر ما ایراد بگیرند که چطور شما به مجاهدین خلق می‌گویند که چرا معیار انقلابی بودن را در این مبارزه مجلس خبرگان کنار گذاشتند و به جای حمایت از کاندیدهای فدائی با لیبرال‌ها متحد شدید؟ و حال آنکه خود شما کسانی را که سال‌ها سابقه مبارزاتی داشته‌اید کنار گذاشته‌اید و به جای آنها کسان دیگری را انتخاب کرده‌اید؟ جواب ما در اینجا روشن است. بهیچین مجاهدین چنان‌اسمی را در لیست خود گنجانده‌اند؟ آیا آن افراد می‌توانستند به شکل جدی جنبه خلق یاری رسانند؟ آیا آن افراد به تقویت راه مارکسیسم در جنبش کمک می‌کردند؟ یا هدف از گنجانیدن آن اسامی بیشتر آن بود ماست که ترکیب کاندیدها به قسول مجاهدین مشروعیت پیدا کند و تکثیر نشود؟ مجاهدین نمی‌توانند اثبات کنند که ترکیب کاندیدهای آنان برای مجلس

"سه جهان" با "سوسیال امپریالیسم" تنها درحرف تفاوت می‌کنند، در عمل این دو تفاوتی باهم ندارند و بهیچین تفکر "پیکار" مجبور است بالاخره تکلیف خود را روشن کند.

حبرگان گامی بوده‌است در جهت فراهم آوردن زمینه گسترش و زمینه‌های وحدت عمل و همکاری نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه. آنها مهر تأیید زیرنام کسانی نهادند که جایشان نه در کنار مجاهدین بود و نه در کنار هیچ نیروی انقلابی و ترقیخواه دیگر لیکن ما می‌گوئیم چنین خطائی را تأیید و تکرار نکنیم. آنچه مجاهدین نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند سیاست فدائیان را با سیاست مجاهدین مقایسه کند. مجاهدین در آن زمان حقایق انقلابیونی که از حمایت توده‌های برخوردار بودند، به لیبرال‌هایی رای دادند که تا آن روز معلوم نبود چکاره‌اند. آنها با این عمل ذهنیت توده‌ها را مخدوش کردند و نگذاشتند توده‌ها دوستان و دشمنان واقعی خود را بشناسند. اما امروز ما کسانی را انتخاب می‌کنیم که می‌توانند در گسترش وحدت عمل نیروهای ترقیخواه در عمل و در واقعیت نقش ایفا کنند. ما دوستان واقعی اقل و طبقات مختلف خلق را با آنان معرفی خواهیم کرد.

بعلاوه برای ما مصالح جنبش کمونیستی مطرح است و نه تنها مطرح است، بلکه از اولویت هم برخوردار است. چه بدون تحکیم جنبش کمونیستی، جنبش ضد امپریالیستی نمی‌تواند استمرار باید و به پیروزی رسد. همانگونه که گفتیم چنانچه حمایت ما از این یا آن جریان منفرد مارکسیست - جنبشی کمونیستی ایران را به بیراهه گشاند و باعث تقویت جریان‌های انحرافی درون آن شود، ما هرگز چنین حمایتی را تجویز نخواهیم کرد و این قطع نظر از سوابقی است که فی‌جمله کاندیدهای مورد بحث داشته‌است اگر تنها ملاک ما سوابق مبارزاتی این یا آن کاندیدها باشد چه در میان کاندیدهای حزب توده، چه در میان کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و چه در میان سایر کاندیدها، عناصر بسیاری می‌توان یافت که با آنها زندان گشده‌اند و از قضا مردانه هم زندان گشده‌اند و در برابر رژیم دژخیم شاه ایستاده‌اند. اما ما از این کاندیدها حمایت نخواهیم کرد، زیرا این حمایت نه تنها به سود امر وحدت در جنبش خلق تمام نخواهد شد بلکه علاوه بر این در مورد کاندیدهای جریان‌های مدعی م. ل. به زبان امر وحدت در جنبش کمونیستی ایران نیز عمل خواهد کرد. زیرا برای ما کل جریان مهم است، کل جریان مطرح است نه افراد و عناصر آن بطور مجزا.

مهر تأیید ما بر یک جریان اپورتونیستی که فاقد پایگاه توده‌ای است، تنها شده که...

خرده بورژوازی دمکرات که پای خود را از جنبش کمونیستی ایران پس کشیده‌است، در برابر جریان‌های بورژوازی حمایت کنیم (مثل مجاهدین خلق) این حمایت به سود جنبش کمونیستی تمام خواهد شد. این حمایت لزوماً به تقویت و رشد دامنه عمل اپورتونیزم درون جنبش کمونیستی منجر نخواهد شد.

باتوجه به آنچه گفته شد، پشتیبانی ما از کاندیدهای جریان‌های درون جنبش کمونیستی که فاقد پایگاه توده‌ای

مهر تأیید ما بر یک جریان اپورتونیستی که فاقد پایگاه توده‌ای است، تنها ثمری که به بار می‌آورد، تقویت اپورتونیزم درون جنبش کمونیستی است.

هستند تنها بدین شرط درست بود که این پشتیبانی می‌توانست روی پروسه تشکیل حزب تاثیر مثبت بر جای گذارد و یا زمینه همکاری و وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه را تقویت کند و دست کم به آن آسیب نرساند. در اینجا لازم می‌دانیم رثوس مواضع خود را در مورد جریان‌های درون جنبش کمونیستی ایران که در مبارزه انتخاباتی شرکت کرده‌اند، توضیح دهیم. این جریان‌ها را در دسته جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**اول - پیکار "خط ۳"**  
محور شکل جریان‌های وابسته به خط ۳ را نفی موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و تبلیغ و ترویج شعار ارتجاعی "سوسیال امپریالیسم" تشکیل می‌دهد. این جریان‌ها که با شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و "مرگ بر سوسیال امپریالیسم" به میدان آمده‌اند، مشخصاً یک جریان اقل‌طایفی هستند که هر دو اردوگاه را دشمنان خلق‌های جهان می‌شناسند هم اردوگاه سوسیالیستی را و هم اردوگاه امپریالیستی را. و این خطرناک‌ترین انحراف در جنبش کمونیستی ایران است.

پیکار و هم‌فکران آن در ایران دشمن اصلی را امپریالیسم آمریکا می‌دانند ولی در افغانستان در کنار دشمن اصلی خلق ما

سیاست "راه‌کارگر" یک سیاست لیبرالیستی است. آنها همان شعارهای لیبرال‌ها را به عین تکرار می‌کنند. "خط ۴" معتقد است لیبرال‌ها از دادن آن شعارها قصد دیگری دارند و آنها قصد دیگری.

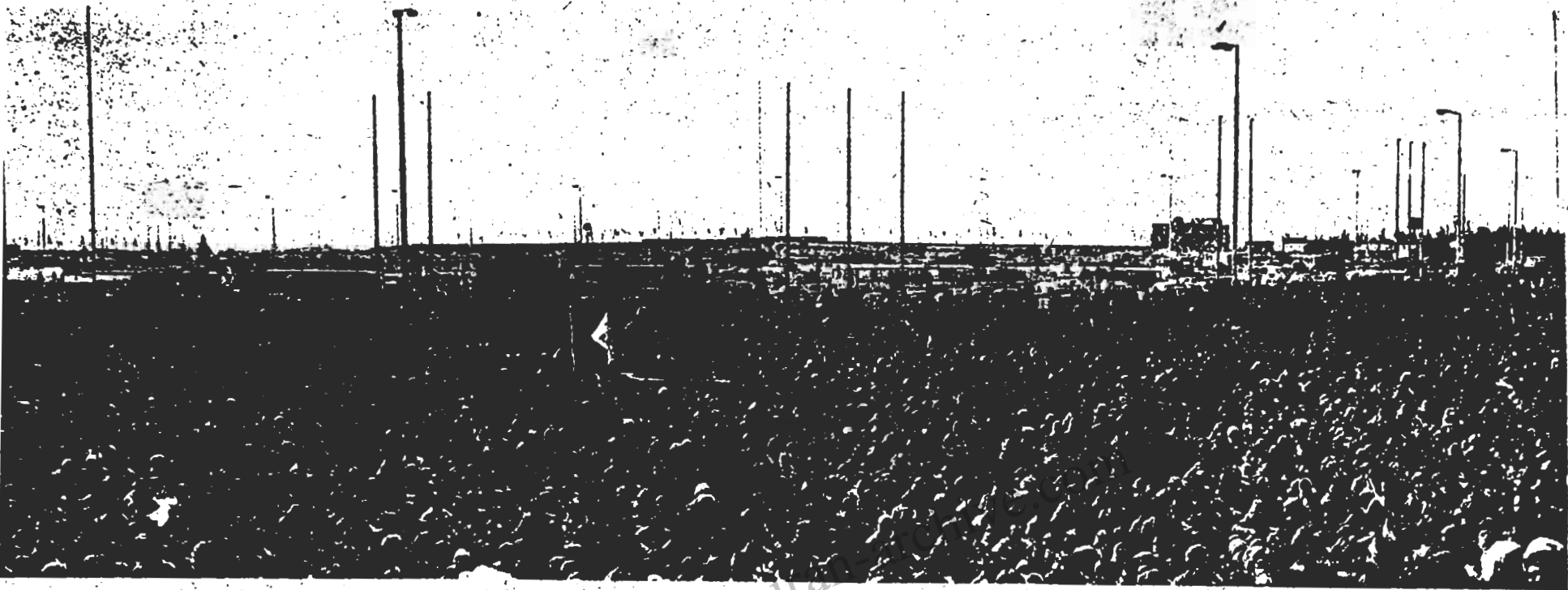
قرار گرفته‌اند. پیکار در افغانستان از جریانی به نام "اخگر" حمایت می‌کند. "اخگر" در افغانستان با فئودال‌ها و سران مرتجع عشایر، با مزدوران امپریالیسم آمریکا و مرتجعین پاکستانی همدست و هم‌سنگ شده‌است. پیکار مدعی است "اخگر" در افغانستان به سود مردم با دولت می‌جنگد و حال آنکه مزدوران امپریالیسم آمریکا و فئودال‌ها به زبان مردم با دولت می‌جنگند. ما می‌گوئیم نیت شما پاک است اما شما در عمل همان کارهایی را می‌کنید که ارتجاع افغان و متحدین آن می‌کنند. واقعیت‌ها تعیین‌کننده‌اند نه ادعاهای شما.

پیکار همان ایدئولوژی ورشکسته و ارتجاعی خرده‌بورژوازی عقب مانده و در حال تلاشی را که با شعار نه شرقی نه غربی به میدان آمده، به عاریت گرفته و می‌کوشد رنگ و لعاب علمی و آکادمیک به آن بدهد. پیکار همان شعار بوج و هوام فریبانه و خیالی نه شرقی نه غربی را بزرگ کرده و در قالب خوش آب و رنگ "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و "مرگ بر سوسیال امپریالیسم" به بازار عرضه کرده‌است. جوهر و عصاره پیکار و بهیچین خط ۳ همان جوهر و عصاره بهیچین خرده‌بورژوازی واپس‌گراست. همان بهیچین و تفکری که همان اندازه از سوسیالیسم می‌هراسد گسسه از امپریالیسم متنفر است.

اما در میان جریان‌های وابسته به خط ۳ و حتی از آن وسیعتر در سطح جنبش کمونیستی ایران برنامه حداقل سیاست و خط مشی پیکار در برابر حاکمیت و مبارزه طبقات و تجلیل این جریان از موقعیت فعلی نسبتاً منطقی و از سایر جریان‌های مدعی مارکسیسم، به برنامه و سیاست سازمان ما نزدیک تر است. هر چند که در آن تحلیل‌ها بدعت‌های بی‌پایه و دردم‌اندیشی‌هایی نیز به چشم می‌خورد. بعلاوه به نظر می‌رسد که در این سازمان لاقط در سطح کسانی که با واقعیت‌های مبارزه طبقات تماس ملموس تری دارند، گام‌های معینی در جهت مقابله با اپورتونیزم و بطور کلی تصحیح خط مشی به پیش برداشته شده باشد. متذکر می‌شویم که در رثوس برنامه حداقل سازمان پیکار نسبت به آنچه که سابقاً از جانب این سازمان عنوان می‌شد، به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی گرایش‌های تازه‌ای به چشم می‌خورد. گرایش‌هایی که بوئی از تصحیح دیدگاه را می‌دهد. به راستی چرا پیکار وقتی از عبارت "کشورهای سوسیالیستی" استفاده می‌کند معین نم‌کند که منظور از کدام کشورها

انبوه یسافقه جمعیت تجلی شکوهمند  
گسترش پیوند فدائیان با خلق بود

# دریای جمعیت درمید



WWW.IRANIANPRESS.COM

ساعت ۹/۵ روز جمعه ۱۷ اسفند، متسک انتخاباتی سازمان حزکهای فدائی خلق ایران در میدان آزادی برگزار شد. این متسک که پس از مخالفت‌های اولیه وزارت کشور و تاکید مجدد سازمان متکی بر برگزاری آن رسماً از طرف وزارت کشور مورد تأکید قرار گرفت با شرکت صدها هزار تن از مردم آگاه و مبارز تهران با شکوه خاصی برگزار شد. میدان آزادی برای نخستین بار، انبوه جمعیتی را در خود جای می‌داد که زیر پرچم خوین فدائیان خلق و در پس سرود انترناسیونال فریاد می‌زدند: "نه سازش نه تسلیم، نبرد با امریکا". آنها برای تحقق شعار استقلال، کار، مسکن، آزادی، گرد آمده بودند و جلوه‌ای از شکوه ایران آزاد و دمکراتیک فردا را داشتند. هزاران چهره زخمیک در انبوه چهره‌های حیوان

وبالنده نوید سخن گسترش پایگاه بوده‌ای سازمان، پیوند گسترش روزافزون نفوذ و اعتبار جنبش کمونیستی ایران در بین طبقه کارگر، رحمتکشان و نیروهای ترقیخواه میهنمان بود. در آغاز انبوه جمعیت با مشت‌های گره کرده برای بررگداشت رهبران شهید خلق ترکمن و ابراز انزجار عمیق خود از فاجعه ترور رفقا توماج جرحانی، مختوم و واحدی یک دقیقه سکوت اعلام کرد. چهره‌های مصمم رفقا بر پرده‌های آویخته در میدان درهاله‌ی سکوت صدها هزار تن که به احترام آرمان‌آبان و اعلام وفاداری به راه آرمان به پا خائسته بودند، شانه شکست دشمنان خلق‌های قهرمان ایران و نوید جنبش پیروزی آرمان توسط ایسم بود. طنین سرود خلق ترکمن سکوت میدان را دروردید. سپس رفیق حشمت‌الله

رئیس سخنان خود را با درود به خلق‌های سراسر جهان که برای رهائی از یوغ امپریالیسم مبارزه می‌کنند، آغاز کرد. او در قسمتی از سخنان خود گفت: "مبارزه طبقاتی عمیق‌تر می‌شود، طبقه سرمایه‌دار ایران که بنا هزاران رشته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیوند دارد و محافل ارتجاعی که سیاست خود را شکست خورده می‌بینند برای ابقاء خود به شیوه‌های فاشیستی و ایحاد باندهای سیاه متوسل می‌شوند و این نشان دهنده رشد جنبش توده‌ای میهن ماست که سرمایه‌داران را به وحشت انداخته است." او در سخنان خود تأکید کرد که برای دفاع از منافع طبقه کارگر و همه رحمتکشان میهن و برای پیشبرد مبارزه صدامپریالیستی به مجلس

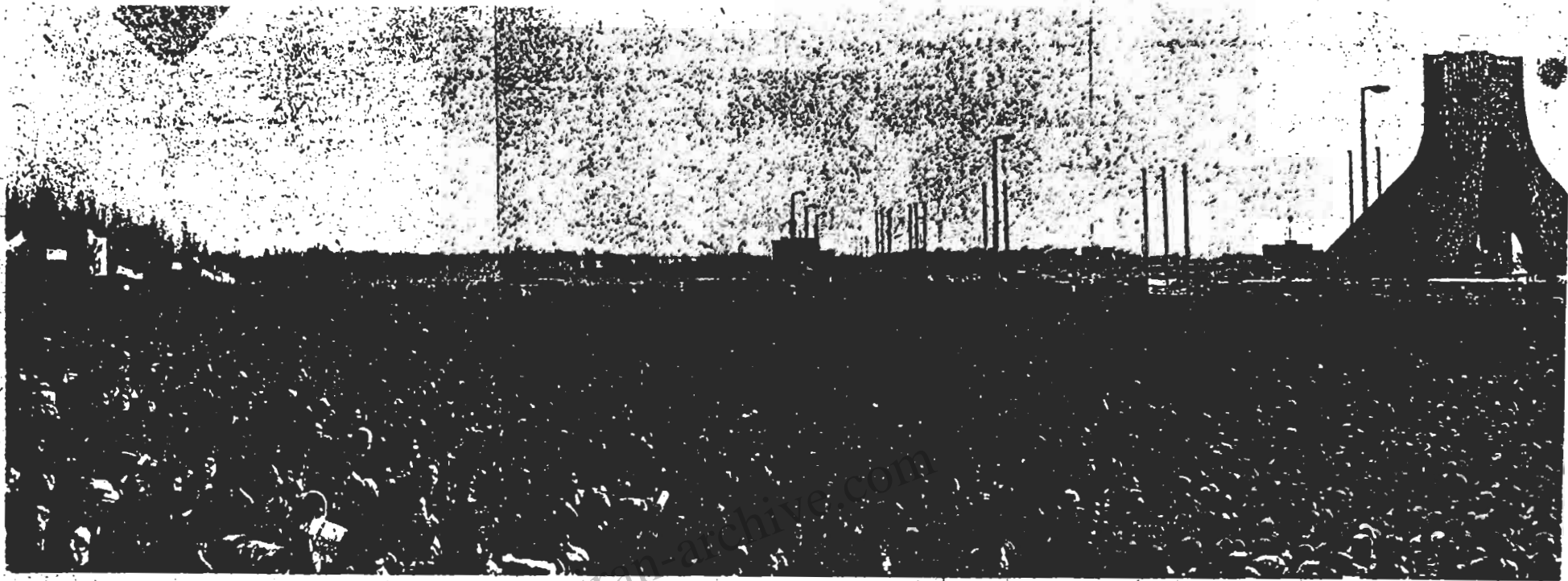
می‌رود. در این هنگام سرود مرگی برای امپریالیسم به وسیله دسته‌گر خوانده شد و بعد از آن رفیق هبت‌الله غفاری سخن گفت. رفیق هبت‌الله غفاری دو مرحله‌ای کردن انتخابات را توطئه باندهای انحصارگر نامید و گفت: "آنان بدین وسیله می‌خواهند ترکیب مجلس شورای ملی را کسانی تشکیل دهند که مهترانید بر تمام سیاست‌های حاکمیت می‌زنند. آنها این شیوه را برگزیده‌اند تا صدای مخالفی که بیانگر منافع توده‌ها باشد، از مجلس بلند نشود." رفیق در ادامه سخنانش به تشریح شروط رئیس جمهور در مورد آزادی گروگان‌ها پرداخت و گفت: "این خام‌اندیشی است که تصور کنیم که امپریالیسم اگر تعهد دهد، در مورد اخلی کشورمان دخالت نخواهد کرد

و استقلال یک کشور را رسمیت خواهد شناخت. مسخره‌تزازان این است که بپندیشیم امپریالیسم اکنون در میهنمان حضور ندارد. سپس اضافه کرد که بقیه سرمایه‌داران یعنی خص امپریالیسم، ابقاء فرمانده ارتش شاهنشاهی یعنی خص امپریالیسم، ارگان‌های ماند از رژیم سابق یعنی خص امپریالیسم. رفیق سعید سلطانپو رقیه دانشگری سخنران‌ها دیگر میتینگ بودند که حقوق خلق‌ها، توطئه‌ها، باندهای سیاه به تفصیل سخن گفتند. آنها تأکید کردند که سیاست‌های سرکوبگر، اکنونی که از طرف محافظه‌ایسته به امپریالیسم صورت می‌گیرد برای تحکیم مطلق امپریالیسم امریکا است. محافظی در حاکمیت و خیم دارند که با سازماندهی رهبری باندهای سیاه



## آزادی زیر پرچم خونین فدائیان خلق

فدائیانمی که مسئول حفظ انتظامات میتینگ بودند، تا پایان با قدرت تمام در برابر مهاجمان ایستادگی کردند و سپس با یک یورش همه آنها را متواری ساختند. فداکاری آنها مانع از آن شد که سنگهای مهاجمان به مردم اصابت کند.



### در حاشیه میتینگ . . .

مردم هجوم آوردند و سرنشینان آریا را از مرکز به در بردند. مهاجمان که خود را در محاصره مردم دیدند شروع به تیراندازی هوایی کردند، راننده نیز که به نظر می رسید فرمانده آنهاست سریع به درون بنز رفت و بایستی سیم چیزهایی گفت او قد بلند و چهره‌ی خشنی داشت و ۳۸-۴۰ ساله به نظر می رسید. در همین لحظه چند ماشین دیگر رسیدند و از ظاهرشان پیدا بود که کمیته‌چی هستند. آنها که آمدند شروع کردند به فحش دادن مردم و مدام تیر هوایی خالی می کردند با اینهمه در مقابل اعتراض مردم هیچ کاری از دستشان ساخته نبود. مردم آنها را فراری دادند، آنها از ترس هجوم مردم به سرعت پا به فرار گذاشتند و یکبار دیگر این حقیقت به اثبات رسید که هیچ نیروی رادر مقابل مردم آگاه و مبارز یاری مقاومت و مقابله نیست.

از افراد مسلح سوال می کردند "چرا این افراد را می زنید؟" آنها را می خواهید کجا ببرید؟" "اصلاً شما کی هستید که جلوی مردم را می گیرید و به روی آنان سلاح می کشید؟" افراد مسلح جواب دادند "ما از کمیته هستیم در کار کمیته دخالت نکنید" و وقتی مردم از آنها کارت شناسایی خواستند به حای کارت شروع به تیراندازی هوایی کردند و خواستند که ۴ نفر را همراه خود ببرند. در این هنگام از میان مردمی که در میتینگ ماجرای فاجعه ترور رفقا توماج و همزمانش را شنیده بودند یکی خود را روی کاپوت ماشین انداخت و در حالیکه مردم را مخاطب قرار داده بود فریاد زد "آی مردم اینها می خواهند این چهار نفر را مثل توماج و رفقا پیش ببرند و بکشند، جلویشان را بگیرید و نگذارید که مرتکب این جنایت فجیع شوند."

در مسیر اتوبان تهران-کرج چهار نفر از سرنشینان آریا که از میتینگ بر می گشتند توسط سرنشینان مسلح یک بنز بدون شماره که به بی سیم مجهز بودند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و توسط آنان تهدید به مرگ شدند. افراد مسلح به نحو وحشیانه‌ای سرنشینان آریا را کتک می زدند و برای ارباب مردم که در این هنگام دور آنها ازدحام کرده بودند، مبادرت به تیراندازی هوایی کردند. دوتن از مهاجمین در حالی که با کلت خود شقیقه سرنشینان آریا را نشانه گرفته بودند آنها را با جبار به درون ماشین بنز کشاندند. آنها با دسته کلت به سر سرنشینان آریا می زدند. سرنشینان آریا فریاد می زدند که بی گناه هستند و از مردم استمداد می طلبیدند. در این فاصله مردم زیادی جلب صحنه شده بودند مردم

شهریانی متاسفانه نتوانستند نقش فعالی در حفظ انتظامات میتینگ بر عهده گیرند. وزارت کشور در پایان میتینگ طی اطلاعیه‌ای مهاجمان را تنها مورد انتقاد قرارداد و گارد انتظامات سازمان را که برای حفظ امنیت صدها هزار نفر شرکت کننده میتینگ به دفع یورش مهاجمان پرداخته بود، مورد تفتیح قرارداد. این نحوه برخورد وزارت کشور بیشتر به تشویق مهاجمان شبیه بود تا انجام وظیفه‌ای که در مقابل حفظ حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی بر عهده دارد. در جریان یورش و وحشیانه مهاجمان و باند های پناه که عمدتاً با پر تپاب سنگ همراه بود، نزدیک به ۱۶ تن از افراد گارد انتظامات و سایر فدائیان مدافع نظم میتینگ زخمی شدند که یک بیمارستان اعزام گردیدند.

دادن حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی و فضای اجتماع و سانسور. در طول میتینگ گروه‌های ک شده به رهبری علی سیاه به میتینگ یورش آوردند. آنها با سنگ تلاش داشتند که را در هم بریزند و تمام اقداماتی که آوردند توسط اینی که مسئولیت حفظ مات را بر عهده داشتند ب رانده شدند. در انتظامات میتینگ با زی و شجاعت بی نظیری ت مهاجمین را دفع با قدرت و وظیفه و بهت خود زابه انجام این فدائیان همچنان ن وغرور آفرین بودند. شان دادند که در راه ایران آزاد و دموکراتیک از هر حیث تدارک مهاجمان و افراد



### مادر انتخابات باید

## از کدام کاندیدها حمایت

### بیمار صحت

سوسیالیسم است؟ بلاشک در این یونان به جای "سوسیال امپریالیسم" از واژه "کشور روستایی" نام برده شده است. کوزا سون جدیدالولادمای در فرهنگ مارکسیستی همانگونه که در گذشته نیز گفتیم این سازمان دارای بهشت ایدئولوژیک التقاطی و دوگانه است. بهشت بیگانهایی نمی تواند به همین صورت ادامه یابد. این طرز تفکر لزوماً ضرورتاً شکسته می شود. آنها هرچگونه می خواهند از سوسیالیسم امپریالیسم را در عمل پیاده کنند. موضع "سه جهان" را خواهند پذیرفت. "سه جهان" یا "سوسیال امپریالیسم" تنها در حرف تفاوت می کند. در عمل این دو تفاوتی باهم ندارند و بهشت و تفکر بیگار محبوس است بالاخره تکلیف خود را روشن کند یا موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتاریائی را بپذیرد یا به یک جریان سه جهانی تبدیل شود و با مارکسیسم و جنبش طبقه کارگر بطور کامل وداع گوید. ما به همان اندازه که در اساسی ترین مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در کلی ترین مریز بندیها با سازمان بیگار اختلاف اصولی داریم، به همان اندازه هم فکر می کنیم که رد این تری می تواند با توجه به سیاست و خط مشی فعلی بیگار. این جریان را با خط سازمان ما نزدیک سازد. به گونه ای که اگر تری اجتماعی سوسیال امپریالیسم مانع نبود، ما رای دادن به این سازمان و حمایت از آن و همکاری نزدیک تر با آن را مشخصاً به سود جنبش کمونیستی می شمردیم.

### دوم - راه کارگر خط ۴

موضع سیاسی این جریان به اعتقاد ما غلط و آشفته است. راه کارگر مبارزه با طرفداران ولایت فقیه و عقب ماندگی فرهنگی خرد بورژوازی سنتی را مضمون عمده مبارزه خود می شمارد و ما مبارزه با جریان های سرمایه داری (لیبرالی و مونوپولیستی) را عمده می شماریم. آنها شعار "برگه بر ارتجاع" می دهند و منظورشان از ارتجاع همان عقب ماندگی فرهنگی خرد بورژوازی است. آنها فقط نام ارتجاع طبقاتی را تکرار می کنند. بدون آنکه واقف "ارتجاع" مورد نظر ایشان ارتجاع طبقاتی باشد. ارتجاع طبقاتی خط ۴ ارتجاع طبقاتی به مفهوم علمی آن نیست. منظور ایشان از "ارتجاع طبقاتی" طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امپریالیستی است. آنها بنمای جعلی برای مفهوم ارتجاع طبقاتی تراشیده اند. آنها این مفهوم را وسیله و بهانه ای برای توجیه همه کردن مبارزه با جریان های خرد بورژوازی محافظه کار قرار داده اند.

راه کارگر حاکمیت را یک کاسه می کند و تمام آن را ضد خلقی می بیند. این جریان در تبلیغات خود هیچ خط و مریز بهیچ حاکمیت کنونی و رژیم شاه در ذهن توده ها ترسیم نمی کند. روی همین بنیاد راه کارگر مبارزه علیه روحانیت حاکم (پس از خط امام) را وجه عمده مبارزه خود می شمارد نه مبارزه بسن امپریالیسم و طبقه سرمایه دار را. خط ۴ مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی علیه امپریالیسم را باور نمی کند و آن را خدعه و فریب می انگارد.

خط ۴ با یک کلمه سوسیالیستی "ضد خلقی" همه جریان های را که در یکساله اخیر در حاکمیت سیاسی دست داشته اند. در کنار امپریالیسم قرار می دهد. سیاست راه کارگر یک سیاست لیبرالی است. آنها همان شعارهای لیبرالی را با عین تکرار می کنند. البته خط ۴ هم مثل مجاهدین خلق معتقد است گرچه ممکن است تشابه بین شعارهای آنها و شعارهای لیبرال ها وجود داشته باشد، اما لیبرال ها از دادن آن شعارها قصد دیگری دارند و آنها قصد دیگری!

راه کارگر با یک کلمه کنگو میبیم "ضد خلقی" خود را از شر تحلیل پیچیدگی های موقعیت کنونی، تحلیل شرایط شخصی، از درک مسائل مردم مبارزه و انقلاب و از تقیل وظایف بسیار حیاتی کمونیست ها در قبال طبقات راحت گردماست. تک و بند بینی و این تاریخی خرد بورژوازی که همه چیز و همه کس را علیه خود می بیند، در گفتار و کردار خط ۴ موج می زند. خط ۴ خط و بالکنک مبارزه طبقاتی نیست. خط کج بینی هستی موجود از خرد بورژوازی است. تبلیغ باس و شکست و ناگامی در مبارزه با امپریالیسم و دیکتاتوری از سر و روی تبلیغات خط ۴ می بارد. خط ۴ به مردم اینظوری فهمانده که شکست خورد ما ندانیم هیچ چیز بدست نیآورده اند، همه سرانها را شرمالیندند و وضع را از اولش هم بدتر کردند. فاشیسم آمده است.

خط ۴ فکر می کند مردم جانیشان از دست دروغمان حاکم که فقط بجزر گلوله مردم آرام نگاه داشته اند به لب رسیده است. خط ۴ نطنین ملامت را با چکمه های افسران اس اس مقابله می کند و روحانیت خط امام را مدد دیگری از نازی های آلمانی به شمار می آورد.

راه کارگر وقتی در عرصه تجربیات نظریه پردازانه قرار می گیرد با گروه اشرف و با پیش گذشت سازمان بهشتین تضاد اساسی می کند. اما وقتی مسائل مشخص از ارتجاع مشخص مطرح می شود، در عرصه سیاست کلیاً تقاهم و نزدیکی بسیار با آنها احساس می کند. دعوای آنها بر سر سیاست و مواضع سیاسی نیست، بر سر اصولی است که گویا به این مواضع و احوال مشخص مربوط نیستند. سیاست هر دو آنها عیناً مورد ستایش و احترام جنبه دمکراتیک ملی و سازمان مجاهدین خلق است و از لحاظ مضمون با سیاست احزاب سوسیالیستی لیبرال هم تفاوتی ندارد. راه کارگر فکر می کند که بهشت و تفکر جملا از توده گذشته را کار گذاشته است. حال آنکه تجلی سیاسی همان تفکر

پرخاشگرانه و بوهولیتی و غیر علمی، همان اعتراض بی ارحام خرد بورژوازی، همان دوری جستن از واقعیت ها، تدبیر و وضعیت عینی مبارزه طبقاتی و توده ها، همان سیرگردن در رویاها هنوز هم که هنوز است راه کارگر را در چنگ خود دارد. رفقای راه کارگر فکر می کنند وقتی خودشان فهمیدند توده ها هم باید فهمیده باشند و در غیر این صورت پیشرو باید حرف خودش را بزند و راه خودش را برود و کاری به کار سطح آگاهی و اشکال حرکتی آنها نداشته باشد.

در همین حال خط ۴ خطی است که واقعیت های موجود را نمی بیند و از قدرت توده ها و پیروزی های آنها بی خبر و بدور است و بدون فراگرفتن بر بستر مبارزه در حال گسترش طبقات در جنبش توده ای، بدون درک وضعیت عینی آن مبارزه طبقاتی که میلیون ها توده مردم در آن شرکت دارند این خط هرگز قادر نخواهد بود درک کند که چرا ما می گوئیم بهشت جدا از توده اندیشه و عمل وی را فراگرفت است. خط ۴ هنوز هم در هوا سیر می کند.

ما هرچه قدر که از مسائل مشخص به سوی مسائل کلی از

ما "حزب توده" را بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران به شمار می آوریم. نه ما و نه سایر کمونیست ها نمی توانستیم و نباید این "حزب" را تقویت و حمایت کنیم.

مسائل مجرد و عام به سوی مبانی ایدئولوژیک سیر می کنیم. ما راه کارگر نزدیک تر می شویم. در مولات عام مارکسیستی و پیروزی درک می نیست به جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و اهدافی که ما نزدیک است اما وقتی همان دیدگاه را در ارتباط با مسائل مشخص با مسائل جنبش کمونیستی و کارگری ایران مطرح می شود. ما و خط ۴ موضع گیری متضاد خواهیم داشت.

### سوم - حزب توده

این "حزب" بعد از حدود ۲۸ سال فعالیت "حزبی" که قدیمی ترین حزب سیاسی موجود است، هنوز هم هیچ پایگاه و نفوذی در میان توده ها ندارد. آنها که در این حزب طبقه کارگر هستند نه از کارگر و زحمتکش یونی برده اند و نه به کارگر ۲۸ سال در هیچکدام از ایران خرد بورژوازی و سازمان و همه میان روشنفکران انقلابی نیز نیستند. توده ها هیچ نفوذی ندارند بلکه همه جا با حشم و نینف آنها روبرو بوده اند و هستند.

حزب توده بعد از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی بیش از ربع قرن است که عملاً تلاشی شده و قدرت بسیج توده های خود را از دست داده و بقایان آن هم طبعی این مدت باز چه دست دستگاه های پلیسی بوده است. حیانت و تسلیم طلبی و ورشکستگی این حزب بطور عمده از همان ایورتونیسیم بیگران و ایدئولوژی حاکم بر حزب توده ناشی شده است.

حزب توده به اصول عام مارکسیست-لنینیسم پای بند نیست. حزب توده آن بخش از اصول علم را که در تئوری نقض نکرده است، در عمل زیر پا می نهد. "توده ها" گرچه در حرف از منطق کردن حرکت پیشرو با توده مردم دم می زنند، اما در عمل بیش از پیش به منطق کردن حرکت خود با سیستم حکومتی و به ویژه به نفوذ در ماشین حکومتی بها می دهند و فکر می کنند. آنها در عمل حتی از سیستم حاکم هم در بسیاری موارد عقب مانده ترند. انحرافات اساسی حزب توده از اصول نوجب شد است خط مشی و سیاست آن نیز بیش از دیگران به زبان انقلابیون کمونیست و جنبش کمونیستی ایران تمام شود. حزب توده تبعیت از خرد بورژوازی محافظه کار و عقب مانده و تا رکنادیش را هم استراتژی و هم وظیفه عمده و مبرم خویش می سازد. حزب توده دنباله روی از عقیده اندیشه ترین توده ها و انگاسی تبلیغات آنها را پیشه کرده است. حزب توده در یکساله اخیر همواره از لزوم سیردن ابتکار عمل به دست خرد بورژوازی سنتی دفاع کرده است. این سیاست حزب توده بهویسینه در یکساله اخیر همواره با تعجب و شکستی و ناپاوری خرد بورژوازی روبرو بوده است.

حزب توده در تمام موارد هر یکساله گذشته برای نزدیکی به خرد بورژوازی علیه انقلابیون کمونیست، دشنام گوئی و تهمت پراکنی و سم پاشی کرده است و در هیچ موردی نه تنها با جنبش کمونیستی ایران همراه نبوده بلکه با عناصر و جریان های سرکوبگر در تمام زمینه ها، به ویژه تظاهرات و اعتصابات، در جنگ کرده است و وقایع اخیر گنبد همکاری عملی و نزدیک شدن به آنها از هیچگونه جنبش کمونیستی و دشمنی زوروا نه علیه نظامیان خلق و سایر نیروهای انقلابی فروگذار نکرده است. حزب توده برداشتی دنباله رانه و غیر علمی از رویایست احزاب کمونیست با یکدیگر دارد. حزب توده در عرصه جوانی تبعیت از احزاب کمونیست دیگر را می پذیرد و می گویند این تبعیت را به عنوان پایبندی به انترناسیونالیسم پرولتاری می گویند. حزب توده با یکدیگر که حزب توده به هیچکس احزاب و انقلابیون کمونیست نمی اندیشد. این حزب تبلیغ و سرورج و فعالیت می کند. این حزب برای پیشبرد استراتژی خود هرگز از آنکه به بسیج مردم و در واقع همه کس نیست و شکل طبقه

کارگر متکی باشد. قبل از آنکه قدرت توده ها را باور کند و به آن متکی گردد و به وظایف خویش در برابر طبقه کارگر و تمام خلق متعهد باشد. به خاطر و با اختیار و آگاهی به فهمیدن سیاست قدرت های حاکم و به اشکال مبارزه ای و وظایف مبارزه طبقه قدرت و جلب حمایت و پشتیبانی جهانی فکر می کند. نه ما و نه سایر کمونیست ها از این توده ها و این جنبش را تقویت و حمایت کنند زیرا این "حزب" نه به اصول مارکسیسم-لنینیسم اعتقاد دارد نه خط مشی و سیاست انقلابی دارد و نه سابقه مبارزاتی در خط مشی دارد و نه یک خط صداقت انقلابی. ما "حزب توده" را بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران به شمار می آوریم.

اکنون مسئله شرکت در انتخابات مجلس شورای و حمایت از کاندیدها مطرح است. ما کمونیست ها در مرحله فعلی باید با دودستی مشخص تمسک کاندیدهای نمایندگان مجلس را تعیین کنیم. دودستی که کمونیست ها در این انتخابات تعقیب می کنند چنانچه قبلاً شرح دادیم در اهداف عبارت است از حرکت در جهت تشکیل جنبه خلقی، یعنی تقویت زمینه اتحاد عمل و همکاری نیروهای شرکت کننده در جنبه خلقی و حرکت در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر، یعنی گسترش در حلق وحدت در جنبش کمونیستی و گسترش پیوستگی با طبقه کارگر و سایر انقلابیون کارگر. انتخاب ترکیب کاندیدهای نمایندگان مجلس شورای انانگیز باید لایزال متضمن یکی از این دو مقصد باشد. در شرایط کنونی هرگاه انتخابات یک کاندید را نتواند به نام وحدت در جنبش کمونیستی به گسترش پیوستگی با طبقه کارگر و گسترش زمینه های وحدت عمل نیروهای نمایندگان مجلس و تقویت به سوی تشکیل جنبه واقعی خلقی جاری و زنده در تمام حلقه های معینی برای حمایت از این کاندیدها وجود نخواهد داشت اگر هدف اول مد نظر باشد در حمایت از کاندیدهای جاری که شردیم، متحمل چنین امری از این کاندیدها نمی توانیم. پس باید در این شرایط در این جنبش کمونیستی خواهیم داشت. ما تبلیغ به سود کارگری را که در جنبش طبقه کارگر و هر جهت احتمالی مبارزات آن حرکت می کنند و تقویت می دانیم. علاوه بر حمایت از کاندیدهای به جریان می آوریم نه تنها در عرصه گسترش زمینه های وحدت عمل کلیه نیروهای خرد امپریالیست و مترقی بی تاثیر می دانیم بلکه در مواردی نیز عملکرد پشتیبانی از آنها را به علت سیاست و سوابقی که دارند، به زیان گسترش آن زمینه ها می دانیم.

ما در شماره آتی وضعیت و سیاست مجاهدین خلق و دیگر کاندیدها را که مورد حمایت قرار دادیم بررسی خواهیم کرد. ما در این مقاله توضیح خواهیم داد که چرا و به چه دلایلی صحنی ارائه نیست کاندیداتوری پیشنهادی سازمان را به سود جنبش کمونیستی و هم چنین به سود جنبش ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلق های ایران دانستیم.



### برای تقویت صف نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست به این کاندیدها رای دهید

شماره	نام کاندید	شماره	نام کاندید
۱	محمدرضا باهنر	۲۵	علی محمدنیک
۲	محمد تقی باهنر	۲۶	محمد علی باهنر
۳	علی محمدنیک	۲۷	محمد علی باهنر
۴	محمد تقی باهنر	۲۸	علی محمدنیک
۵	علی محمدنیک	۲۹	محمد تقی باهنر
۶	محمد تقی باهنر	۳۰	علی محمدنیک
۷	علی محمدنیک	۳۱	محمد تقی باهنر
۸	محمد تقی باهنر	۳۲	علی محمدنیک
۹	علی محمدنیک	۳۳	محمد تقی باهنر
۱۰	محمد تقی باهنر	۳۴	علی محمدنیک
۱۱	علی محمدنیک	۳۵	محمد تقی باهنر

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران





### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## همه حقایق را به مردم خواهیم گفت

کسی که حقایق ترور توماج و هتیزمان را به مردم نمی گوید سیریک جرم است

ایستادگی در دفاع از حقوق مردم و مبارزه با سواستکاریها و سواستکاران در سطح ایران و بسیاری از کشورهای جهان وسیعاً انعکاس یافته است. در این روز مناظره در همه جا بحث برنامده است. برای مردم سراسر ایران روشن است که سواستکاران در این کشور با سواستکاران در سایر کشورهای جهان تفاوتی ندارند. سواستکاران در ایران با سواستکاران در سایر کشورهای جهان تفاوتی ندارند. سواستکاران در ایران با سواستکاران در سایر کشورهای جهان تفاوتی ندارند.

مناظره تلویزیونی سازمان با بسی صدر و همکارانش در سطح ایران و بسیاری از کشورهای جهان وسیعاً انعکاس یافته است. در این روز مناظره در همه جا بحث برنامده است. برای مردم سراسر ایران روشن است که سواستکاران در این کشور با سواستکاران در سایر کشورهای جهان تفاوتی ندارند. سواستکاران در ایران با سواستکاران در سایر کشورهای جهان تفاوتی ندارند.

واقعی و دشمنان خود را شناسند. از این رو بعد از این مناظره سازمان از نمایندگان مطبوعات و رسانه های گروهی و نمایندگان سازمان ها و جمعیت ها دعوت کرد تا با سیریک در یک کنفرانس عمومی، پاسخ سئوالی را که در رابطه با مناظره برای مردم مطرح است، از زبان مسئولین سازمانی بشنوند. این کنفرانس در حضور هزاران نفر از هواداران سازمان که با سوز و سوو بسیار به سالن اسپر سینما دانشکده یزدکی دانشگاه تهران آمده بودند، برگزار شد. اسفندال هواداران از این جلسه مفیدی زیاد بود که مسئولین مذاکره کنفرانس محور شدند برای اسفندال هواداران از مباحثی که مطرح می شد، در سراسرهای اصلی دانشگاه و محوطه جلوی آن هم بلندگو نصب کردند.

در خدمت دستگاه حاکمه هستند و باید بطور کلی این حرمان را مورد تحلیل قرار داد تا به آنکه تعدادی از آنها را مورد نظر قرار داد و باعث بوجوم بوده ها شد.

در پاسخ به دو سئوال مذکور گفته شد: "بله، کاملاً درست است. در صورتی که حاکمیت بنیبت شده باشد، ما نمی توانیم بکنیم که جناحی از حاکمیت یا افرادی از حاکمیت که در ارکان های دولتی قرار دارند، آدم های خوبی هستند و جناح دیگر بد. جناح خوب را مورد نائید قرار ندهیم و جناح دیگر را مورد حمله و لیکن در شرایط کنونی می دانیم که مبارزه همچنان ادامه دارد. بین جناح های مختلف هنوز درگیری هست. طبقات و اقشار علیه همدیگر برای کس قدرت مبارزه می کنند.

در چنین شرایطی ما نمی توانیم آن جناح هایی از حاکمیت را که در صف حلق قرار دارد و متحد است با جناح های دیگر که علیه حلق مبارزه می کنند، در یک صف قرار دهیم. سپاه پاسداران با ارتش شاه تفاوت دارد. اگر ارتش شاه یک یکبارچه و ارتش کنونی به صورت یک کل یکبارچه در مقابل بوده ها قرار دارد. و به صورت یک سیستم درآمده است ولی سپاه پاسداران هنوز یک سیستم نیست. سپاه پاسداران از جناح های متفاوتی تشکیل شده است. توضیح داده شد.

از جمله اتفاقاتی که افتاده بود مثلا درگذشت، پاسداران وقتی که زخمی شده بودند، چند تا پشیمان نوی بیماریستان می گفتند: "به ما گفته بودند که می رویم به جنگ خودالها بعد می بینیم که ما را آوردند به جنگ دهقانان. یا یکی از آنها در تاهی (قائم شهر) موقعی که دستور آتش به طرف مردم داده می شود، کتبی را در می آورد و می رود به طرف مردم. در شیراز اخیرا پاسداران اعتراض کردند به فرماندهانشان و گفتند که ما برای مبارزه با فتووالها می خواهیم مشکل بشویم. اما رهبران ما از فتووالها حمایت می کنند."

در اینجا یکی از اعضا "حزب رنجبر" که در بین جمعیت حضور داشت، سازمان را دعوت به مناظره کرد. در جواب این شخص، رفقا توضیح دادند:

"از آنجا که طرفداران تشریری به جهان درکنار امپریالیسم امریکا با خلقهای جهان می جنگند، و در تمام کشورها در کنار ضد خلق هستند و همه جا با فاشیست ها و سازمان های جاسوسی و سیا و متالهم همکاری می کنند، ما هرگز با آنها مناظره نمی کنیم."

سئوال: یک سند در پرونده سپاه پاسداران در تلویزیون افشا کرد به این مضمون که در بالا و پائین اطلاعیه ستاد شوراهای ترکمن صلا آبه قرآن نوشته شده بود. آیا این درست هست یا نه؟

آیا درست بود که در همین العاده شماره کار نویسید پاسداران ۲۴ ساعت سراندراری نکردند؟ آیا این سوظنت پاسداران است، گفت:

همانطور که اشاره شد ما نویسیم که پاسدارها ۲۴ ساعت سراندراری نکردند و واقعا هم نکرده بودند. روز ۱۹ بهمن از ساعت ۱۰ صبح که به نظارت حمله شد تا فردا یعنی روز سینه ساعت ۱/۵ بعد از ظهر از طرف پاسداران سراندراری شد. ولی اینکه آیا حمله به راهپیمایی از قبل سازمان یافته بوده یا نه، مسلما توسط همان رهبران سپاه پاسداران، همان جناحی که فعلا صحبت شد که می خواهد اسفندال درگیری ایجاد کند، برنامهریزی شده بود. آنها بلااستان این بوده که ستاد خلق ترکمن را مهدم کنند.

رفیق افروزد: "بهرایست بگوئیم جناح فاشیستی سپاه پاسداران و ما بهتر بود دست می کفیم آن جناح فاشیستی سپاه پاسداران."

چریک کاری از آلمان غربی سئوال کرد: "چه رابطاتی بین واقعه کنبد و انتخابات مجلس شورای ملی بوده است؟"

پاسخ: ما قبلا در روزنامه کسار بهین می پی کرده بودیم که برخی از جناح های درون سپاه پاسداران و هیئت حاکمه در گذشته هم کوشیدند نظراتشان را تحمیل بکنند. اینها بدون شک از درگیری درگنبد سود می برند، و اعلام کرده بودیم که البته بهاجم به ستاد شوراهای خلق ترکمن می شود. در بریا رود، اما اینکه این زمان انتخاب شده، بی دلیل نیست. و به احتمال زیاد می تواند به انتخابات هم مربوط باشد.

توضیح داده شد: "رفقای ما، فدائیان شهید، توماج و مخوم در انتخابات مجلس خبرگان بهی از ۱۳۵/۰۰۰ رای آوردند و طبیعی بود که در انتخابات مجلس جنتا انتخاب می شوند. آنها ۹۹ درصد آراء خلق ترکمن را آورده بودند. بنابراین همانطور که رفیق اشاره کرد این مسئله بی ارتباط با انتخابات نبوده است."

رفیق دیگری در این مورد اضافه کرد: "و این مسئله هم بی سابقه نیست. در ۶ فروردین ۴۰ روز قبل از فرزندم باز هم به میتینگ مردم گنبد حمله مسلحانه شد. در روزهای انتخابات مجلس خبرگان به کردستان بیورش بردند و اکنون هم در آستانه انتخابات مجلس شورا، این فاجعه را به مردم ترکمن صحرانحمله کردند."

خبرنگار نبرد دانشجو پرسید: "جناح بندی های درون سپاه پاسداران چگونه است؟"

خبرنگار دیگری نیز در این زمینه پرسید: "رفقا در مصاحبه دیشب بطور کلی و در ارگان سازمان از جناحی از سپاه پاسداران دفاع کردند. در صورتی که ما بهینیم اینها

دیگر مطرح شد: "سئوال کرد: به نظر شما سیریک سوراها را در دفاع چگونه خواهد بود؟"

پاسخ: "خوب مسلما جنگ هایی که به مردم ترکمن صحرانحمله شده در واقع حمله ای است به سوراها و این جناحی است. اما دهقانان زحمتکش ترکمن صحرانحمله به راجی سیریک سوراها را حلقی نمی کنند. اینها از سوراها و واقعی سان دفاع می کنند. و حیطه شان می کشند. ما فکر نمی کنیم که سوراها و دهقانی مردم ترکمن صحرانحمله خادیده گرفته شود. ستاد شوراهای دهقانان زحمتکش ترکمن صحرانحمله نماینده مردم ترکمن صحرانحمله و مردم ترکمن صحرانحمله یکبارچه از آن دفاع خواهند کرد. این سوراها خواهند ماند حتی اگر به رسمیت شمرده نشود."

در مورد حلق، پاسخ سئوال شد: یکی از رفقا پاسخ داد:

"ما می گوئیم مردم باید تصمیم بگیرند نیروهای تودماست که باید مسلح باشند و از مراکز دفاع بکنند یک توده باید مسلح باشند یا نه؟ سازمان یافته باشد از چه طریق؟ از طریق سوراها. ما باید در فرزندم خودمان مطرح کنیم که مردم آنها موافقت شوراهای دهقانان، سوراها و کارگران، سوراها و مردم زحمتکش مسلح باشند یا نه؟ مردم باید مسلح باشند که در سوراها مشکل می شوند باید مسلح باشند و از منافع خودشان در برابر تجاوزها دفاع کنند. ما مسئله را بطور صریح مطرح کردیم و گفتیم تنها نیروی مسلحی که می تواند از منافع خلق در برابر امپریالیسم، از منافع طبقه کارگر در برابر سرمایه داران و زمین داران بزرگ دفاع بکند، شوراهای مسلح مردم هستند."

در ادامه این پاسخ گفته شد: "ما پیشنهاد می کنیم اگر می خواهید فضاوت مردم را ببینید، بسیار خوب بگذارید تمام نیروهای انقلابی، تمام سازمان های مترقی نظراتشان را در مورد مسلح بودن توده ها و خطری که توده ها را تهدید می کند، مطرح کنند و در پایان این رفقا دستم گذاشته شود و از مردم سئوال بشود که آیا توده ها باید در مقابل سیریک امپریالیسم مسلح باشند یا نه؟"

پاسخ این سئوال که "خیر" است: "خیر، اینطور نیست. شوراهای هستند که عضو اتحادیه سوراها هستند. از جمله کشاورزی است. از جمله سوراها زوستانی قره چشمه، دیلمه سالیان و زوستانی تاتار علیا. همگان شورایی که با فداکاری فدائی شهید جرجانی در خدمت آرمان و اهداف دهقانان زحمتکش در آمد. روستای ایگدر سفلی و متشکل از زبلی، بلنجوج، ترکاست. یکی از رفقا در مورد این سئوال گفته

پاسخ: این اطلاعیه را آقای ابراهیم رهمزده می خلق ترکمن نوشته بودند. اینان مذهبی هستند و آپسایار قرآن آورده بودند. ستاد شوراهای نیز به مذهب مردم احترام می گذارد و این حق را برای توده مردم قائل است که با عقاید خودشان زندگی کنند و مراسم مذهبی شان را به جای آورند.

سپس رفقا توضیح دادند که چگونه بنی صدر حرف خود را در مورد داستان جعلی بهرامون نحوه شهادت رفقا توماج و هتیزمان، پس گرفت و گفت: "من گفتم مطبوعات اینطور گفتند."

رفیق توضیح داد: "در حالی که بنی صدر قبل از آنکه

دو گروه چریکی که جنگ را لازم می دانستند باید یکدیگر برخورد داسو گروهی افراد گروه دیگر را کشتند اما بنی صدر محور شد این داستان را پس بگیرد. اکنون آقای رئیس جمهور هیچ پاسخی در مورد مسیبن این واقعه و کسانی که دستور این جنایت را داده اند، ندارند. همه مردم منتظرند ببینند آقای بنی صدر که می گویند ماهای حرفمان هستیم در این مورد بهای حرفتان هستند یا نه؟"

سئوال: جواسناد شوراهای بعضی از مردم آنجاستار آورد موگفته که اگر فلان کار را نکنید و یا اگر ستاد نماند با شما طور دیگری رفتار خواهد شد؟"

پاسخ: ستاد فاسمی آورد ولی به حد کسی؟ به فتووالها. بهر مند اران بزرگ. به عناصر مرتجع مجلسی.

سئوال: در مورد انتخاب اعضای شوراهای توضیح دهید. استانداران از ستادان گفته بود که در بعضی از مناطق از یک روستای ۷۰۰ نفری هشت نماینده انتخاب شده بود.

پاسخ: کسانی که نمایندگان را (با رای مخفی) انتخاب کرده اند چطور می توانست اسم و مشخصاتشان در لیست باشد؟ اسم هبات نظار را در رادیو تلویزیون خواندند به اسم اسمی رای دهندگان و جاور و جنجال را مانداختند.

سئوال: شما در یک سال گذشته چه کرده اید؟"

پاسخ: آنها کاری کرده اند که در هیچ جای ایران اتفاق نیفتاده. شوراهای واقعی دهقانی را در ۴۰۰ پارچه آبادی ایجاد کرده اند و مشترکا به کار کاشت و برداشت پرداخته اند. اینها نمونه ای از شوراهای واقعی دهقانان در میهن ما بود. این کاری که ترکمن صحرانحمله ستاد شوراهای کرده اند.

سئوال: در تلویزیون مطرح کرده اند ستاد شوراهای خلق ترکمن آمادگی جنگ داشته یا نه؟"

پاسخ: این آقایان حق دارند که فکر می کنند مردم ما نمی توانند در صحت بسیار کوتاه ستر ساز می کنند. این آقایان در قریب تهران نبودند. اگر بودند می دیدند که چطور در عرض یک ساعت سترگاه ساخته شد. این آقایان خلایق توده ها را ندیدند و نمی شناسند.

در اینجا یکی از رفقا درباره طرز برخورد جریان های دیگر با واقعیت گفت: "توضیح داد: "تیروهائی هستند که وقتی در

برگشت و حقانیت نیروهای انقلابی در معرض افکار عمومی و قضایات توده ها قرار گرفت آن وقت آنها هم سرتکان می دهند و تائید می کنند."



# بنی صدر عاملین ترور توماج و همرزمان را می شناسد اما آنها را به مردم معرفی نمی کند

بیتنام انقلابیون باید با استفاده از کلیه امکانات به مقابله با باندهای سیاه برخیزند.

هر روز که می گذرد با تعداد فعالیت باندهای سیاه دامنه گستردهتری می یابند. آنها بدون محابا انقلابیون را ترور می کنند، به میتنگها بورش می آورند. مردم را به گلوله می بندند و می کوشند با این اعمال جنایتکارانه و فاشیستی خود آرادیهای دمکراتیک را از میان بردارند. آنها انقلابیون کمونیست را شکار می کنند و زیر شکنجه و وحشیانهترین و درد آورترین شکنجهها به شهادت می رسانند. آنها به پشتوانه حمایتهایی که در دستگاههای حکومتی از آنها بعمل می آید بی پروا و گستاخانه سلاح به دست "به معنای قدرت" می پردازند و جامعه را عرصه یکجتهاری خود کرده اند. کیفیت سازماندهی و تشکیلات و نحوه برخورد دستگاههای حکومتی با آنان به وضوح بیانگر ارتباطهای گسترده شان با دستگاههای حکومتی است. اصلا این

راطراحی می کند. بنی صدر رئیس جمهور در عمل به تنها ظاهر سازی می کند، او نه تنها تاکنون هیچ اقدامی برای پیگرد جنایتکاران به عمل نیاورده است، نه تنها به وظایف قانونی خود تا امروز یک سر بوزن هم عمل نکرده است، بلکه اعلام این که توماج و همرزمانش را می باید پس از محاکمه تیرباران می کردند. جنایتکاران و جناحهای فاشیستی را مورد تشویق و تأیید قرار داده است. بنی صدر تمام حقایق در این زمینه را می داند. او در حالی که خودش خیلی خوب می داند که جنایت توسط پاسداران صورت گرفته است، در حالی که می داند چه کسانی دستور ترور رهبران شوراها و ترکمن صحرا را صادر کرده است، از معرفی این جنایتکاران به مردم خودداری می کند. رئیس جمهور جنایتکاران را در پناه خود گرفته است.

راهبرانی رده بودند مورد حمله مسلحانه او باش که اکثرا پاسداران مورکمپنه شده بودند فرار گرفتند. آنها صف ظاهر کنندگان راه گلوله بستند. آنها داود امیراحمدی رفیق پیشگام فدائی شهید را که در صف ظاهر شدند بود هدف گلوله کلت قرار دادند و به شهادت رساندند. آنها یکی اردخیران پیشگام را نیز با قلمه مورد حمله قرار دادند و ریه او را شکافتند. آنها دهها نفر دیگر را در این یورش شرمخی کردند. آنها هم این شک آزادانه می کردند. شکار و شکنجه و شهادت رفیق فدائی سعید عقیقی توسط "کیمته چی ها" کرمانشاه صورت گرفته است. رفیق پیشگام فدائی شهید سعید عقیقی در روز سه شنبه ۱۶ بهمن ماه ۵۸ بعد از اتمام ساعت درس دانشکده و وقتی که به سوی خانهاش می رفت توسط چند نفر مسلح ربوده شد و پس از ۲۰ روز



## پیام مادر فدائی شهید توماج به مردم قهرمان میهن

مردم قهرمان میهن!  
من از ده یولمه سالیان با شما صحبت می کنم. پس توماج را کشتند! عوامل مزدوری که سابقا نیز خودشان را در تمام فضای ده و تمام منطقه ترکمن صحرا احسار می کردم، توماج را کشتند.  
من با تمام قدرتم که قدرتی ناچیز از مادری است که فرزند انقلابی خود را از دست داده است، فریاد خود و خلق تحت ستم ترکمن را به گوش جهانیان می رسانم و از شما نیز می خواهم که در این امر مهم مرا یاری دهید. از شما می خواهم که تا توان دارید، در افشای سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و زمین داران بزرگ بکوشید. تا آنجا که به خاطر دارم توماج جهت افشای این مزدوران و نیز به علت فداکاری در راه زحمتکشان بارها به زندان رفت. به خاطر می آورم روزهایی را که وی در زمان رژیم منفور پهلوی در زندان بود. خواهرانش جهت گذران زندگی شب و روز را به قالبیافی مشغول بودند.  
توماج بی پاک و دلاور، برای تحقق خواستههای زحمتکشان ایران به ویژه ترکمن صحرا شب و روز برایش تفاوتی نداشت اینک فرزند دلاورم همچون فرزندان قهرمان دیگری که در گوشه و کنار مملکت توسط به قدرت خیزدهای امروزی به شهادت می رسند در قلب تمام مردم ایران زندان است. اینک از هر قطره خون توماج هزاران فدائی دیگر چون توماج در ترکمن صحرا و سراسر ایران روئیده است.  
مرگ بر زمین داران و سرمایه داران بزرگ شعار هر ترکمن، صلح، زمین، آزادی!



باندها جزئی از دستگاه حکومتی هستند.  
۲۰ روز از فاجعه ترور توماج و همرزمان می گذرد و تاکنون هیچ اقدامی برای در دستگیری و محاکمات عوامل این جنایت صورت نگرفته است. آنها سرپرست هایشان در سیاه پاسداران هستند. و دزدانه می گردند و جنایتهای دیگری  
مهاجمینی که روز به جنبه ۹ اسفند ماه به راهپیمایی اعتراضی سازمان شاخه آذربایجان بورش آوردند، مشخصا زیر رهبری کیمته بازرسی نیز "و پاسداران اعزامی از کنسولگری آمریکا بودند.  
راهپیمایان نیز بزرگه برای اعتراض به فاجعه ترور توماج و همرزمانش دست به  
در قزوین چندین بانده بقیه در صفحه ۱۳





# بی صدر عاملین ترور توماج و ...

بقیه از صفحه ۱۲

سیاه سازمان یافته است که آشکارا هدف خود را شکار انقلابیون کمونیست اعلام داشته است. از این باندها تاکنون دهها نمونه یورش به اجتماعات، آتشزدن دفاتر سازمانهای مترقی و انقلابی، به آتش کشیدن کتابخانهها و شکنجه و بازداشت انقلابیون و نیروهای مبارز مشاهده شده است. جالب این است که علیرغم این که افراد این باندها و رهبران آن شناخته شده اند مانند همچنان آزادانه به فعالیت مشغولند.

گزارشاتی در دست داریم که حاکی از شکار انقلابیون کمونیست در جادههای بین شهرهاست. از جمله تاریخ شهرهاست. از جمله تاریخ ۱۹ بهمن ماه گذشته عده مرآغه توسط افراد کمیته مرآغه بازداشت و تحت شدیدترین شکنجهها قرار میگیرند بطوری که یکی از بازداشت شدگان در نتیجه شدت شکنجههای وارده تعادل روانی خود را از دست می دهد. در گیلان، مازندران، لرستان، جنوب، غرب، شرق، در هر یک از این نواحی فرآوانی را می توان اسم برد. اینهمه نشانه جدی بودن مسأله و ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست در مبارزه و مقابله قاطعانه با این باندها است.

اقدام بافرجام گزوان گیری جمهوریکنندگان میتینگ روز جمعه ۱۷ اسفند ماه گنه گوارش آن در همین شماره درج شده است هشدار دیگری برای انقلابیون کمونیست و ...

همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست است که به مقابله جدی با باندهای سیاه اندیشه اقدام کنند. چنانکه گفتیم دستگاههای حکومتی و در رأس آن بنی صدر رئیس جمهور در عمل تنها ظاهر سازی می کنند. او در برخورد با مهاجمان طوری انتقاد می کند که از هر تشویقی بالاتر است. سکوت در مقابل فاجعه ترور توماج و همزمان دیگر فجایعی که هر روز در گوشه و کنار مبین اتفاق می افتد، معنایی جز مشارکت در فاجعه و کشتار انقلابیون ندارد. رئیس جمهور با مانورهای سیاسی خود نشان می دهد که سرنیزه ها را برای سرکوب انقلابیون کمونیست صیقل می دهد و عملاً باندهای سیاه را تشویق می کند.

در این شرایط چه باید کرد؟ بدون تردید تمام انقلابیون باید با استفاده از کلیه امکانات به مقابله با این باندهای سیاه و اعمال فاشیستی آنها برخیزند. این باندها که توسط باندهای جاسوسی و توطئه گری وابسته به امپریالیسم و طبعاً وابسته به ایران سازمان یافته اند، تنها از محافل فاشیستی و تاریک اندیش غیر حکومتی تغذیه می کنند بلکه در بسیاری موارد از طرف جناح فاشیستی حکومت و برخی روحانیان مرتجع و ضد کمونیست و محافل در درون سپاه پاسداران هدایت و سازماندهی می شوند و دستور می گیرند.

پس از یک سال جنایت و تکرار اعمال و اقدامات فاشیستی ماهیت این جناحها، محافل ... نمی کنید؟

## توضیح :

با یوزش از خوانندگان به علت تراکم مطالب درج بخشهای باقی مانده مقالات "ده روز در بازداشت پاسداران" و "سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی" در این شماره ممکن نگردید و چاپ آنها به شماره آینده موکول شد.

بقیه از صفحه ۱۶

## فدائی شهید رفیق غلامرضا گلوی

راستی فدائی خلق کرد. "قسمتی از پیام مشترک اتحاد زحمتکشان بلوچستان" و "نبرد بلوچ" به مناسبت نهمین سالگرد شهادت رفیق فدائی غلامرضا گلوی

در تاریخ ۱۲ اسفند ۵۸ در دانشگاه بلوچستان میتینگ بزرگداشت رفیق غلامرضا گلوی و سایر همزمان او که در سحرگاه خونین ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ به جوخه اعدام سپرده شده بودند، برگزار شد.

در ابتدا خلاصههایی از زندگیا رفیق و همزمانش خوانده شد. گروهی به هنگام دانشگاه بلوچستان سرود "چرخ صنعت به گردش افتد" را در میان شور جمعیت خواند. به دنبال آن قسمت هائیک از پیام بامی استار (ستاره صبح) قرائت شد و برادر رفیق شهید غلامرضا گلوی خاطراتی را از رفیق زنده ساخت. آنگاه سخن از مبارزه طبقاتی و ادامه راه رفقای شهید شد و اینکه چگونه فدائیان خلق پرچم خونین را که به دست بنیان گذاران این سازمان برافراشته شده، در تمام ایران به خاطر رهاشده زحمتکشان که آرمان رفتنای شهید بود، برافراشته نگه میدارند. می بینیم که چگونه فدائیان برای رهاپو خلق در کردستان و ترکمن صحرا با خون خود پیوند با خلق می بندند و چگونگی ستارگانی سرخ در آسمان ایران می درخشند تا روشنائی نورشان راهگشای راه رهاشده انسان از تمام ظلم هینا و بی عدالتیها گردد.

اگر در آن زمان رژیم جنایتکار پهلوی نمی گذاشت که ندای برحق فرزند دلاور بلوچ به خفتش برسند، اینک هزاران بلوچ می دانند که گلوی ها چه کسانی بودند، به خاطر چه مبارزه کردند و به خاطر چه کسانی شهیدان را پذیرفتند. جمعیت با شعار "گلوی راحت ادامه دارد" را اسم را به پایمان رساند.

پس از مناظره تلویزیونی، سازمان در کنفرانس مطبوعاتی ۱۳ اسفند اعلام کرد:

## همه حقایق را ...

بقیه از صفحه ۱۱

وظیفه رفقا و تمام نیروهای انقلابی است که این فرصت طلایی را که در دوران جنگ کردستان شاهدش بودیم و در جنگ گنبد هم نمونههای دیگری از آن را دیدیم برای مردم توضیح بدهند. "حزب توده" در ابتدا و جنگ کردستان چوری برخورد می کرد که در مردم این توهم بوجود می آمد که این سازمان ها که در کردستان و بلوچستان فعالیت می کنند، همان سازمان های فاشیستی هستند که می شود در مورد آنها صحبت کرد. در کردستان و بلوچستان و در مناطق نامین که در این مناطق می شود از سازمان های که در کردستان و بلوچستان فعالیت می دارند در آمدند و در مورد هر یک از آنها هم همینجور اعلامیه با اظهاراتی که مسئول این جریان در آنجا می گویند که در این مناطق به عمل آمده نشان می دهد که وقتی که جنایت با ثابت شد آنوقت خودشان را بر سر این می دهند. در اصل از آن که مردم می خواهیم از مواد آرزوی ما خواهیم بکنار دیگر نه تنها در مورد این جریان بلکه در مورد سایر سازمان هایی هم کمیته این شکل برخورد کردمانند، مطالعه بکنند تا شناخت دقیق تری از نیروها به دست بیاورند و ببینند کدام نیرو هنگامی که مردم احتیاج دارند، به کمک آنها می آیند و کدام نیرو وقتی احتیاج به کمک و افشاکاری هست، ساکت می ماند؟

سوال:

- در مناظره اشارهای شده به ساختمان بوه افراد "حزب توده" لفظاً توضیح دهید.

پاسخ:

در آنجا ساختمان "حزب توده" که همان ساختمان جعفری است مورد استفاده سپاه قرار گرفته و آنجا شلیک می شد. به سوی مردم ترکمن و آن سنگر مستحکمترین سنگر سپاه پاسداران بود.

در پایان یکی از رفقا اضافه کرد:

ما اکنون در سراسر میهن در تمام دهات و شهرها حضور داریم و می رویم که به حزب پرافتخار طبقه کارگر تبدیل شویم.

مطبوعات به شکل نادرستی این گفته را نقل کردند که ابهامات زیادی ایجاد کرد. طرح این مسئله حاوی نکته تازه ای نبود و است. سازمان مدتهاست که در این راه تلاش می کند.





### پیروزی خلق زیمبابوه

## پیروزی همه خلقهای ستمدیده آفریقا و جهان است

اخبار پیروزی جنبه مبین پرستان زیمبابوه در انتخابات این کشور داغ باطلی بر پیشانی رژیم نژادپرست اقلیت سفیدپوست به رهبری بان اسمیت و دولت اسقف ابل موزوزوا و حامیان امپریالیست آن وارد آورد. در این انتخابات موگابه رهبر زانو (اتحادیه آفریقائی ملی زیمبابوه) و عضو رهبری مشترک جنبه مبین پرستان ۵۷ کرسی وجوشو، انکومور، زراپو (اتحادیه آفریقائی خلق زیمبابوه) و عضو رهبری مشترک جنبه ۲۰ کرسی از مجموع ۸۰ کرسی سیاه پوستان را به خود اختصاص دادند و اسقف ابل موزوزوا این مبره سازش و توطئه امپریالیست ها که با بوق و کرنای رسانه های امپریالیستی در سال های گذشته به عنوان نماینده رهبر سیاه پوستان زیمبابوه معرفی شده بود و تحت همین نام برنامه سازش با دولت نژادپرست بان اسمیت را رهبری کرده بود تنها ۳ کرسی به دست آورد.

انتخابات، جلوگیری از شرکت زحمتکشان در انتخابات آتش زدن برخی صندوق های رای و سوء قصد به جان رهبران جنبه انجام دادند. در انتخابات ۸۰ کرسی به سیاه پوستان تعلق داشت ۲۰ کرسی هم برای سفیدپوستان نژادپرست در نظر گرفته شده است. یعنی سفیدپوستان با این که یکسوی و ششم جمعیت کشور را تشکیل می دهند یک پنجم کرسی های مجلس را به خود اختصاص داده اند که

**نظری بر مبارزات خلق زیمبابوه در سالهای اخیر**  
زیمبابوه سرزمین حاصلخیزی است و دارای منابع غنی سنگ گروم می باشد. این کشور از اوایل قرن نوزدهم به تصرف کامل استعمارگران درآمد و چون "رودز" از سرمایه داران بزرگ امپریالیسم بریتانیا در اشغال زیمبابوه بیشترین نقش را داشت از آن زمان این سرزمین "رودزیا" خوانده شد. از آن زمان

خلق زیمبابوه دارای گذشته مبارزاتی طولانی علیه استعمارگران بوده است و پس از شکست تمام کوشش های مسالمت آمیز و قانونی و تجربه کوره راه های رفرمیستی سرانجام در اوایل دهه ۶۰ استراتژی مبارزه مسلحانه توده ای را طراحی کرد و به اجرا گذارد.

پیروزی خلق های موزامبیک، گینه، بوسنی و انگولا تاثیرات زیادی در تقویت مبارزه خلق زیمبابوه به وجود آورد.



بد نیست یادآوری کنیم که جمعیت سیاه پوستان زیمبابوه در حدود هفت میلیون نفر است که طی سالیان متصادی در زیرستم و استثمار اقلیت ۲۰ هزار نفری سفیدپوست این کشور قرار داشته اند. مذاکرات صلحی که با شرکت نمایندگان امپریالیسم انگلیس و حضور نمایندگان جنبه مبین پرستان زیمبابوه (متشکله از زانو، زراپو) و دولت موقت اسقف ابل موزوزوا از مدتی پیش آغاز گردیده بود. سرانجام با به رسمیت شناختن جنبه مبین پرستان اعلام آتش بس طرفین درگیر در جنگ و انجام انتخابات آزاد پایان گرفت و رهبران جنبه مبین پرستان در میان استقبال توده های میلیونی زحمتکشان زیمبابوه وارد پایتخت شدند. بر طبق توافق طرفین نیروهای چریکی جنبه در پایگاه های خود باقی ماندند و امر انتخابات زیر کنترل نمایند دولت انگلستان انجام گرفت. نیروهای ارتجاعی و نژاد پرست وابسته به دولت موقت در این دوره کوتاه انواع توطئه ها را برای برهم زدن

این نشانه دمکراسی ادعائی امپریالیست ها و سرمایه داران نژادپرست می باشد. اما علیرغم تمام اقدامات نژادپرستان پیروزی قاطع جنبه مبین پرستان در انتخابات که با تأیید قریب به اتفاق توده های این کشور همراه بود بیانگر نفرت عمیق مردم زیمبابوه از نیروهای وابسته به امپریالیسم و نژاد پرست و تأیید کامل آنها از جنبه مبین پرستان که در طی سالیان گذشته رهبری مبارزات خلق زیمبابوه را بر عهده داشته می باشد.

این پیروزی جنبه مبین پرستان، تبلیغات امپریالیستی در حمایت از اقلیت حاکم را رسوا ساخت و نشان داد که خلق زیمبابوه چگونه از هر عرصه مبارزه برای صریح زدن و طرد دشمن خود استفاده می کند و بیانگر اراده مصمم آنها برای نابودی کامل سلطه استعمارگران نژاد پرست و ساختمان جامعه ای نوین است.

استعمار وحشیانه مردم و غارت منابع طبیعی آن همراه با شدیدترین تحقیر و ستم نژادی نسبت به اکثریت سیاه پوست ادامه داشته است. همراه با اوجگیری مبارزات ضد استعماری مردم زیمبابوه در سال ۱۹۶۵ حکومت نژادپرست بان اسمیت به دستور امپریالیست ها از انگلستان "اعلام استقلال" کرد. مدتی بعد شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ای از اعضای سازمان خواست که این دولت را تحریم کنند. اما امپریالیست ها به ویژه آمریکا و انگلستان که منافع بسیاری از غارت و استثمار خلق زیمبابوه به دست می آوردند، در پوشش های مختلف به حمایت اقتصادی و سیاسی خود از بان اسمیت ادامه دادند و به ویژه از طریق رژیم ها و کشورهای جنوبی بیشترین کمک ها را برای تقویت رژیم بان اسمیت و تقویت ارتش آن انجام می دادند.

امپریالیست ها که از این پیروزی خلق ها هراسان شده بودند توطئه های جدیدی را تدارک دیدند و به طرح تاکتیک های نوینی دست زدند. طرح کینتخرو و طرح کفرانس زنو با هدف روی کار آوردن حکومت جدیدی متشکل از رهبران سازشکار ساهنوست و در چارچوب مناسبی توافقی استعماری بی ریزی شدند. تا مبارزات انقلابی را سرکوب و نابود سازند. جنبه مبین پرستان برای آفشنا و نابودی این توطئه در کفرانس زنو شرکت نموده و در عین حال اراده مبارزه مسلحانه دست برنداشته است. جنبه مبین پرستان سازشکارانه اسقف ابل موزوزوا و سینیوله و سایر عناصر سازشکار را در زیمبابوه و در جهان افشاء نماید و حمایت کامیونیست و سوسیالیست و مرفقی را در داخل کشور و سایر جهان به سوی خود جلب نماید. از این زمان به بعد مبارزه

مسلحانه در زیمبابوه ابغاد توده ای وسیعی به خود گرفت. صف انقلاب و ارتجاع کاملاً مشخص گردید و خلق زیمبابوه پیروزی های درخشانی در مبارزات خود کسب نمود. رژیم نژاد پرست بان اسمیت که از گسترش مبارزه به وحشت افتاده بود به پیوستگی از طرح های جنایتکارانه آمریکا در ویستام ضدها دهکده را که "مشکوک" تشخیص می داد به آتش کشیده و بیش از نیم میلیون نفر از سکنه آنها را در زیر سرنیزه های امریکائی و انگلیسی به "دهکده های تحت حمایت" راند. ارتش مزدور بان اسمیت مکرراً به خاک موزامبیک تجاوز نمود و ضدها نفر از ساکنین اردوگاه های پناهندگان را به قتل رسانید. علیرغم این جنایات جنبه موقت شدت بیش از دو سوم خاک کشور را به مناطق آزاد شده و پانزده آزاد شده تبدیل نماید و انقلابیون توانمندند حتی به ذرون دهکده های تحت حمایت نفوذ کنند و به کار سیاسی پردازند. در ماه مارس ۱۹۷۸ بان اسمیت و امپریالیست ها به آخرین تلاش های مرگ و زندگی دست زدند و همراه با خائینی چون موزوزوا یک "دولت موقت به منظور ایجاد حکومت کثرت" تشکیل دادند. اما علیرغم تبلیغات وسیع امپریالیستی، توده ها و زیمبابوه مشت رد بر سینه خائین و سازشکاران کوفتند و مبارزه انقلابی همچنان گسترش یافت.

انتخابات اخیر زیمبابوه نشانه آگاهی توده های مردم و عزم راسخ خلق زیمبابوه در نابودی کامل استعمارگران و امپریالیست ها می باشد. نتیجه این انتخابات پیروزی بزرگی برای خلق زیمبابوه است که طی مبارزات بسیار و در مبارزات دست نیافتنی است و می تواند روز پیروزی کامل خلق زیمبابوه بسیار نزدیک است. پیروزی بزرگ برای امپریالیست های جهانی و سرمایه داری است. به آن است. خلق زیمبابوه پس از سالها بر دشمنان داخلی و خارجی سرانجام در این مبارزه پیروز گردید و سلطه امپریالیست ها را از سرزمین های خا زیمبابوه و جنبه مبین پرست پیروزی همه خلق های جهان است.



★ فدائی شهید رفیق علیرضا نابدل

جنبش فکری وادی خلق آذربایجان  
وسایر خلقهای ایران است. او  
در فعالیت‌های ادبی و مبارزاتی در  
تبریز با صمت بهرنگی و بهر روز



دقتی همکاری می‌کند و نوشته‌های  
بازرسی از او در دست است.  
تحلیلی که رفیق نابدل از سطح  
پلی در مقاله خود تحت عنوان  
آذربایجان و مسئله ملی به دست  
داده است گویای دید پرولتری و  
بهتس مارکسیستی او است.  
رفیق نابدل با یحیی خلل ناپذیر  
به رهبری خلق از بهرنگی ستیزان  
و اعتقادی راسخ به پیروزی پرولتاریای  
انقلابی جهان داشت.  
رفیق نابدل در ۲۲ اسفند ۵۰  
همراه پادگان آردبک هم‌زمان  
دلوار خود، تیرباران می‌شود.

رفیق علیرضا نابدل از هم‌زمان  
صمد و بهروز است. رفیق سال ۴۷  
توسط صمد بهرنگی به رفیق امیر  
پرویز پویان معرفی می‌شود. ادامه  
این آشنایی در تابستان هفتم سال  
به ایجاد هسته مرکزی شاخه تبریز  
مشکل از نابدل، بهروز دهقانی و  
مناف فلکی می‌انجامد.  
اواخر فروردین ۵۰ رفیق نابدل  
برای پخش نخستین اعلامیه‌های  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
از خانه تیمی خارج می‌شود. او همراه  
رفیق جواد سلاخی با موتورسیکلت  
حرکت می‌کند. در هنگام چسباندن  
اعلامیه‌ها به دیوار، یک استوار  
بازنشسته آنها را می‌بیند و شروع  
به فریاد زدن می‌کند. به علت عدم  
شناسایی محل از قبل، رفیق با هم‌زمان  
کلانتری برخورد می‌کنند و با تیراندازی  
ماورین رفیق نابدل تیرخورده و  
بیهوش می‌شود. رفیق نابدل به  
بیمارستان شهرتانی منتقل می‌شود  
و مورد شکنجه و خرابی‌ها ماورین  
قراری می‌گیرد. مقاومتی که رفیق  
از خود نشان می‌دهد به راستی  
افسوس‌ناک است و دشمن را نیز به زانو  
درمی‌آورد.  
رفیق نابدل در بیمارستان  
چندین بار سعی می‌کند به زندگی خود  
خاتمه دهد تا دشمن از اسرار جنبش  
آگاه نشود.  
رفیق نابدل از زندگان دلیر  
چنگنده و مقاوم جنبش نوین انقلابی  
ایران و یکی از چهره‌های درخشان

★ فدائی شهید رفیق عباس مفتاحی



رفیق عباس مفتاحی در ساری  
متولد شد و تحصیلات ابتدایی  
متوسطه خود را در همان شهر  
به پایان رساند. در سال‌های ۴۱ و  
۴۲ با رفیق صفائی فراهانی که  
آموزگار هنرستان ساری بود، آشنا  
شد و در پائیز ۴۲ وارد دانشکده فنی  
تهران شد.  
رفیق مفتاحی با دانشجویان  
پلی تکنیک تهران رابطه برقرار  
کرد و از طریق همین ارتباط به مطالعه  
انتشارات سازمان دانشجویان و  
نشریات بخش علمی گروه جزئی  
پرداخت. در سال ۴۴ رفیق عباس  
با رفیق کاظم سلاجی که افکار  
مارکسیستی داشت، آشنا شد و  
در ادامه این آشنایی توسط یک رفیق  
مبارز با پویان واحد زاده رابطه  
برقرار کرد. ادامه ارتباط به تصمیم  
در تشکیل یک گروه مخفی انجامید.  
عباس در بهدادگاه درباره مبارزه  
گذشتش تا تشکیل این گروه  
چنین می‌گوید:  
من در دوره دوم دبیرستان با  
مسائل سیاسی آشنا شدم ولی آشنایی  
من بسیار کم بود. در آن زمان جبهه  
ملی استقرار حاکمیت قانونی را  
عنوان کرده بود و می‌دانیم که این  
جبهه به چه سرنوشتی دچار شد.  
البته در سال‌های بعد با مارکسیسم  
لنینیسم آشنا شدم و پس از آن منوچه  
شدم که چه تضادهایی در جامعه ما  
وجود دارد و چون آزادی‌های مختلف  
در کشور وجود نداشت. من به اتفاق  
پویان واحد زاده گروهی را به وجود  
آوردیم و تصمیم گرفتیم دست به  
اسلحه ببریم.  
پس از تشکیل سازمان چریکهای  
فدائی خلق، رفیق مفتاحی که در  
کادر مرکزی بود در راه اعتدالی  
مبارزه مسلحانه فعالیت‌های ارزنده‌ای  
کرد. نام عباس پس از حمله به  
کلانتری قلهک لو رفته بود و به همین  
دلیل پس از اعدام انقلابی فریبی

★ فدائی شهید رفیق صابزون زاده



مزدوران رژیم موفق به فرار می‌گردد.  
رفیق در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۵ در  
درگیری مسلحانه با عوامل رژیم در  
خیابان کرمان به شهادت می‌رسد.

رفیق صبا در سال ۱۳۲۷ در مراغه  
به دنیا می‌آید. تحصیلات ابتدایی  
و متوسطه را در همان شهر به پایان  
می‌رساند و سال ۱۳۴۹ در دانشسرای  
عالی سپاه دانش "مامازن" مشغول  
تحصیل می‌شود. رفیق از سال  
۱۳۵۲ بطور کامل به فعالیت سیاسی  
نظامی می‌پردازد و مخفی می‌شود.  
وی عضو گروه رفیق تادز شایگان  
بود که پس از شهادت رفیق تادز  
همراه برضیا حمیدی اسکوتی که از  
دوران طفولیت با هم آشنا بودند  
به عضویت سازمان چریکهای فدائی  
خلق ایران درمی‌آید و همچون بک  
انقلابی حرفه‌ای مبارزات را ادامه  
می‌دهد.  
در خیابان نظام آباد در یکی  
از فرارهای حماسه‌آفرین رفیق حمید  
اشرف ضمن درگیری و کشتن چند تن از

★ فدائی شهید رفیق بهمن آرتنگ



رفیق محمد رضا هدایتی در سال  
۱۳۳۰ در یک خانواده متوسط در شهر  
بروجرد به دنیا آمد. دوران شش ساله  
ابتدائی و سال‌های اولیه را در بروجرد  
گذراند. دبیر متوسطه را در تهران  
گرفت و همان سال در دانشکده  
علم و صنعت تهران در رشته راه و  
ساختن قبول شد. رفیق محمد رضا  
از همان ابتدای جوانی سخت‌کوش  
و بسیار فعال و کوشا بود و فعالانه به  
مطالعه آثار مارکسیستی پرداخت.  
رفیق با شور انقلابی و بهینگی‌های  
که کسب کرده بود، مبارزه علیه  
ظلم و استثمار و بی‌عدالتی را همواره  
وظیفه مبرم خود می‌دانست و به  
عمل می‌کرد. در پی این مبارزات  
با کمک چند رفیق دیگر در سال  
۱۳۴۹ دست به انتشار و اشاعه آثار  
مارکسیستی زد و ادامه این فعالیت‌ها  
را به شهرستان هاونه و ویژه تبریز  
و بروجرد گشود و دیری نماند  
که ساواک از این ماجرا مطلع شد و  
در سال ۵۲ رفیق هدایتی به همراه

★ فدائی شهید رفیق محمد رضا هدایتی



رفیق محمد رضا هدایتی در تبریز  
شایدترین شکنجه‌های جلادان ساواک  
حماسه‌ای از مقاومت و شجاعت آفرید  
وی بدون آن که ذره‌ای از اطلاعاتش  
را به جلادان ساواک بدهد در زیر  
شکنجه‌های وحشیانه با شکی نیستی  
ولیده و استخوان‌هایی خرد شده  
شهدت کرد.  
پادش گرامی باد

سه تن از رفقایش در محاصره  
مزدوران ساواک قرار گرفته و دستگیر  
شد. و با تمام شکنجه‌هایی که بر او  
وارد آمد هیچ اعترافی نکرد و لبه  
نگشود. بعد از ۲ سال و نیم گذراندن  
محکومیتش در زندان که وی همواره  
از آن به عنوان دانشکده‌ای برای  
آموزش بیشتر مبارزه یاد می‌کرد  
در سال چهارم دانشکده بود که به  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
پیوست و زندگی مخفی خویش را آغاز  
کرد. وی پس از فعالیت‌های زیاد  
در تهران به عنوان یکی از اعضای  
مؤثر سازمان به استان خراسان  
اعزام می‌شود و در آنجا مبارزات  
بگیری را علیه رژیم و مزدوران  
آغاز می‌کند.  
رفیق محمد رضا در سال ۱۳۵۵ در  
مشهد و در پی شناسایی مزدوران رژیم  
در یک نبرد نابرابر به همراه سه تن  
از رفقایش زخمی می‌شود و به دست  
جلادان رژیم دستگیر و بلافاصله  
باتنی مجروح به زیر شکنجه میرسد.

★ فدائی شهید رفیق علینقی آرش



رفقای فدائی شاهرخ هدایتی و  
سیروس سپهری که همچون او به خاطر  
فعالیت‌های دانشجویی و مبارزه سیاسی  
در دانشکده کشاورزی، بناچار از  
آوردن ماند، آشنایی شود و با آنها  
رابطه سیاسی برقرار می‌کنند. در  
بازگشت مجددش به دانشکده فنی  
مصممانه به ادامه مبارزه سیاسی مخفی  
بازگشتی یاد شده می‌پردازد و از سوی  
دیگر در فعالیت‌های صنفی سیاسی  
و نظرات سیاسی (اگرچه در آن  
مقطع بسیار نادر بود) می‌پردازد. او  
در اعتصابات و نظرات شرکت واحد  
نقش فعالی ایفا می‌کند. اما کم‌کم  
رفیق و سایر هم‌زمانش متوجه

رفیق علینقی آرش سال ۱۳۲۶ در  
خانواده‌ای نسبتاً فقیر در شهر ری  
به دنیا آمد. دوران کودکی را در  
شرایط سخت سپری کرد. آرش در  
دوران کودکی مادرش را از دست داد و  
تنها شواری‌های زندگی برایش بهارث  
گذاشته شد. لذا روحیه رفیق  
جسار و سرکن بود. بر این زمینه  
در دوران تحصیل و دبیرستان  
رهنمودهای آموزگار آگاهش بر او  
مؤثری افتد و از او آشنایی مبارز  
و متعهد می‌یازد. آشنایی که درک  
کرده بود علت و علل نواقص و  
نارسائی‌های زندگی خلق ایران  
چپست. او دریافته بود که باید  
هر چه بیشتر بیاموزد تا بتواند با  
ریشه‌های فاسد مبارزه بر خیزد  
و از زندگی، عشق به نیکی‌ها و  
کینه به زشتی‌ها را آموخت. از این  
رهگذر شویو جل آن را در مبارزه  
بگیر سیاسی می‌بیند. به همین جهت  
هنگامی که در سال ۴۴ وارد دانشکده  
می‌شود فعالیت‌های در فعالیت‌های  
دانشجویی شرکت می‌کند تا این که به  
دنبال این فعالیت‌ها در جریان  
اعتصاب شهری و نظرات به خاطر  
شهادت نجفی دستگیر و به زندان  
می‌افتد. سپس همراه با سایر  
دانشجویان او را به اجبار می‌فرستند  
در سربازخانه‌های رژیم مبارزه‌ای  
را با شکل دیگری ادامه می‌دهند و با

گرامی باد خاطره همه شهیدای خلق



# گرامی باد خاطره فدائیان شهید ★★★★★

بهمن آژنگ ، صبا بیژن زاده ، محمد رضا هدایتی  
علیرضا نابدل ، علینقی آرش ، عباس مفتاحی

مقاومت و سبیل شجاعیت است. آژنگ در تابستان ۱۳۵۰ هنگام فرار با یکی از همزمان در خیابان تخت حمشید تهران دستگیر و در بیدادگاه ضد خلقی رژیم منفور و وابسته به امپریالیسم به حبس ابد محکوم می شد. اما دستگاه سفاک در سپیده دم در یکی از روزهای بهمن ۱۳۵۰ او و پنج تن از فرزندان راستین خلق ایران را تیرباران می کند.  
در صفحه ۱۵

می یابد. بر اثر درگیری با مقامات دانشکده به علت فعالیت های سیاسی علیه رژیم منفور مجبور به ترک دانشگاه می شود و راهی مشهد می گردد و در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد در رشته ادبیات انگلیسی به تحصیل می پردازد.  
رفیق بهمن سال ۱۳۴۷ عملاً وارد گروه سیاسی - نظامی احمدزاده، مفتاحی و پویان می شود. آژنگ در گروه تئورسین بنام و مظهر

همین سالهاست که با آشنائی و دوستی با رفیق حمید اشرف به مبارزات صنفی - سیاسی می پردازد. سال ۱۳۴۲ پس از موفقیت در کنکور به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران راه

دوستان مسائل اجتماعی و سیاسی است. رفیق برای ادامه تحصیلات راهی تهران میشود و در دبیرستان دارالفنون به ادامه تحصیل می پردازد. در

رفیق بهمن در سال ۱۳۲۵ در خانواده ای از طبقه متوسط در بندرانزلی به دنیا آمد. بهمن سال سوم متوسطه با افکار مارکسیستی آشنائی شد. دانش آموزی جدی، فعال و

## روز جهانی زن را گرامی بداریم

وظیفه ارتقاء آگاهی زنان کارگر و زحمتکش شهر و روستا و سازماندهی مبارزات آنان بر عهده تمام نیروهای مبارز و انقلابی بخصوص زنان آگاه میهنان است.

کنند. جای خوشوقتی بود که به زودی زنان آگاه و مبارز میهنان متوجه نفوذ زنان لیبرال و حتی عناصر مشکوک و ساواکی در صفوف خود شدند و خطر صد انقلاب را خنثی ساختند.  
امسال زنان ترقیحخواه و انقلابی جامعه ما برای دومین بار بعد از انقلاب، "روز جهانی زن" را جشن گرفتند ولی همچنان این روز بر شکوه برای زنان زحمتکش ناشناخته است.  
معرفی جنبش روزی و مسئولیت ارتقاء آگاهی زنان کارگر و زحمتکش شهر و روستا و مشکل ساختن آنان به عهده تمام نیروهای مبارز و انقلابی بخصوص زنان آگاه میهنان است. در طول کسانی که از قیام می گذرد، زنان ترقیحخواه و انقلابی ایران گام های استواری در این راه برداشتند، لیکن ناکفته پیداست که هنوز کوشش های فراوانی را باید به کار بندیم.

به پا خیزند. و در راه رهائی زن از قید و بند های اسارتبار فزون و اعصار، در نبرد با نظام سرمایه داری عصر ما، یعنی با امپریالیسم لحظه ای از پای ننشینند.  
روز ۱۸ اسفند سال گذشته، روز جهانی زن بی سکت "دولت موقت" جمهوری اسلامی و به عظیم ست خواهی بخش اعظم روحانیت، ناشناخته ماند. هر چند برای اولین بار، زنان مبارز، انقلابی و ترقیحخواه به منظور بزرگداشت این روز آزادانه مراسمی بر پا داشتند، با این همه آن چنانکه در خور این روز بود، مراسمی برگزار نشد.  
صدا و سیما جمهوری اسلامی "از پیش مراسمی که به بزرگداشت این روز اختصاص یافته بود، خود داری کرد و آنرا یک پدیده غربی خواند.  
قابل تاکید است که ۱۷ اسفند سال گذشته به دنبال اظهارات "آیت الله خمینی" مبنی بر اینکه زنان باید بنا "حجاب شرعی" نه وزارتخانه ها بروند، زنان وابسته به طبقه سرمایه دار ایران فرصت یافتند تا تظاهرات سیاسی و اعتراض زنان ترقیحخواه و انقلابی ایران را به انحراف کشانند و مضمون انقلابی و ترقیحخواهانه جشن های "روز بین المللی زنان" را مخدوش

۱۸ اسفند مصادف است با روزی که در سال ۱۹۰۷ زنان کارگر و زحمتکش آمریکا برای کسب حقوق سیاسی خود دست به تظاهرات سراسری زدند. برای اولین بار "کلارا زتکس" یکی از زنان کمونیست مشهور آلمان، در کنفرانس بین المللی زنان در ۱۹۱۰ پیشنهاد کرد که این روز به عنوان روز بین المللی زنان کارگر شناخته و جشن گرفته شود. برای اولین بار مراسم روز جهانی زنان کارگر در سال ۱۹۱۱ در آلمان برگزار شد. زنان کارگر روس با دعوت و معرفی چنین روزی توسط لاشویکها، اولین بار در ۸ مارس ۱۹۱۳، این روز را گرامی داشتند و با برگزاری منیگها و نمایشها و تظاهرات سیاسی در این روز علیه نابرابریها و تبعیضهایی که بر زنان اعمال می شود، دست به اعتراض زدند.

اکنون هر سال زنان کارگر و زحمتکش و ترقیحخواه و انقلابی سراسر جهان این روز را جشن می گیرند و وحدت و یکپارچگی زنان کارگر و ترقیحخواه و انقلابی سراسر جهان را به نمایش می گذارند و پیمان می بندند که برای نابودی نابرابریها و تبعیضهایی که در جامعه سرمایه داری بر زنان روا می دارند به مبارزه ای بی امان

## فدائی شهید رفیق غلامرضا گلوی

نمونه وفاداری به زحمتکشان سیستانی و بلوچی بود



بهمن سالگرد شهادت رفیق بلوچی را به همه زحمتکشان سیستانی و همه رهبران راه آزادی و استقلال و

به خانواده اش تریک می گوئیم. به راستی که دستهای تپتی و سه سه زحمتکش سیستانی، سه حنکده و جسمان سی فروغ ربان زحمتکش این سامان و پوست به استخوان سینه کودکان محرومن و جسم انداز شک و اندوهبار روستاهای متروک و کشتزاران فقیر سیستان و در مجموع روح و ستم خانگه طبقاتی که سالها دراز، گریبانگسار زحمتکشان سیستانی و بلوچی بوده است، تلوری در مبارزه شهادت رفیق گلوی یافته است تلوری که نمودن در کسبه طبقاتی بدیدا و سست به عارکرا حاکم منحل می کردید. نعرتی که او را به بقیه در صفحه ۱۳

پیام همبستگی

### جبهه پولیساریو - بخش اروپا

به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوستان عزیز،  
جبهه پولیساریو، که حدس سال با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روابط برقرار داشته است، از ۹ سال مبارزه سراسری فدائیان بار آعمار مبارزه مستحکم تا کون علیه رژیم دیکتاتوری امبرالیسمی وابسته ما که در جهت دفاع از مافع بوده های ایرانی بوده است، بعد بر کرده و به آنها درود می فرستد.  
جبهه پولیساریو، به ماست اولین ساگرد سروری خلق به نما تریک می کوند و اردناوم مبارزه مردم ایران برای سرف و استقلال، کاملاً حمایت می نماید.  
جبهه پولیساریو - بخش اروپا  
۷ فوریه ۱۹۸۰

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر